

وضعیت سرمایه اجتماعی در استان کردستان؛ آسیب‌ها، راهبردها و برنامه‌های تقویت سرمایه اجتماعی*

امید قادرزاده^۱

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22084/CSR.2021.23953.1948

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۱/۰۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۵/۱۲

نوع مقاله: پژوهشی

صص: ۴۱-۹

چکیده

سرمایه اجتماعی یک سازه نظری و سیاستی به‌شمار می‌رود و به میانجی‌سنجش سرمایه اجتماعی به‌مثابه نبض‌سنجی اجتماعی می‌توان جهت و آهنگ تغییرات جامعه در ساحت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی و نیز پیامدهای سیاست‌گذاری عمومی و اجتماعی را شناسایی و تحلیل نمود. پژوهش حاضر با هدف واکاوی وضعیت سرمایه اجتماعی در بین نمونه‌ای از شهروندان استان کردستان به انجام رسیده است. این پژوهش به روش پیمایش و با استفاده از ابزار پرسش‌نامه درمورد ۱۰۰۷ نفر از شهروندان استان کردستان در بازه سنی ۲۰ تا ۵۴ سال انجام گرفت. شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای بوده است. بر مبنای یافته‌ها، میانگین شاخص ترکیبی سرمایه اجتماعی در سطح متوسط ارزیابی می‌شود. کم و کیف سرمایه اجتماعی، به‌ویژه در بُعد سرمایه اجتماعی کلان پایین است و این مسأله نشان از زوال اعتماد عمومی به اهمیت و موفقیت عملکرد نهادها در حوزه‌های چهارگانه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. نوع غالب سرمایه اجتماعی در استان کردستان، سرمایه اجتماعی خرد است و سرمایه اجتماعی میانی در سطح متوسط قرار دارد. بر اساس نتایج تحلیل واریانس، میانگین سرمایه اجتماعی بر حسب جنسیت، رده سنی، وضع تأهل، سواد، وضع فعالیت پاسخ‌گویان تفاوت می‌پذیرد. در بخش پایانی پژوهش، با نظر به مختصات سرمایه اجتماعی، آسیب‌ها و مخاطرات، راهبردها، برنامه‌ها و مجریان ارتقای سرمایه اجتماعی در کردستان ارائه شده است.

کلیدواژگان: ارزیابی از آینده، اعتماد سازمانی، سرمایه اجتماعی، عدالت اجتماعی، مشارکت اجتماعی، کردستان.

* مقاله حاضر مستخرج از طرح برون سپاری «وضعیت سرمایه‌های اجتماعی در استان کردستان» است که به سفارش شورای فرهنگ عمومی استان کردستان و با حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه کردستان در سال ۱۳۹۹ به انجام رسیده است.

۱. دانشیار جامعه‌شناسی و پژوهشگر پژوهشکده کردستان‌شناسی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.

Email: o.ghaderzadeh@uok.ac.ir

۱. مقدمه

کمیت و کیفیت مناسبات و روابط بین افراد، اجتماعات انسانی و سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی و سیاسی به مثابه بنیان سرمایه اجتماعی از محورهای اصلی سیاست‌گذاری اجتماعی و سیاسی به‌شمار می‌رود. تعاملات و پیوستگی‌های بین افراد نقش مهمی در برساخت انسجام اجتماعی و توسعه جامعه دارد. سرمایه اجتماعی از اصلی‌ترین شاخص‌های جهان مدرن و مهم‌ترین هدف و معیار توسعه قلمداد می‌شود. در جوامع معاصر که با زیست چندفرهنگی و متکثر مشخص می‌شوند، توسعه در ابعاد چهارگانه آن بدون حضور فعالانه و کنش‌های ارتباطی بین فرهنگی، مشارکت اجتماعی و نهادی به مثابه ابعاد اصلی سرمایه اجتماعی امکان‌ناپذیر می‌باشد. با نظر به اهمیت محوری سرمایه اجتماعی در بسط و تحکیم توسعه لازم است تا سیاست‌گذاران شناخت کاملی از کم و کیف سرمایه اجتماعی در اختیار داشته باشند.

در ادبیات نظری، روابط و تعاملات اجتماعی و اعتماد اجتماعی در سطوح خرد، میانی و کلان به مثابه نوعی دارایی و ثروت تلقی شده است که از آن می‌توان برای افزایش منابع در اختیار و یا ایجاد منابع جدید بهره برد. در چارچوب ادبیات توسعه، تصور و پنداشت اولیه بر آن بود که صرف سرمایه‌های طبیعی، فیزیکی، مالی و انسانی، استعداد و توان اثرگذاری در فرآیند تولید و افزایش ثروت و داشته‌های یک جامعه را دارند. از سال ۱۹۸۰ م. به بعد، در ادبیات جامعه‌شناسی شاهد نگاه تازه‌تری هستیم که از وجود سرمایه تازه‌ای با عنوان سرمایه اجتماعی یاد می‌کنند؛ سرمایه‌ای که مولد و مقوم پایداری و حفظ نظم اجتماعی پویا است.

بر مبنای ادبیات نظری، رابطه مستحکمی بین سرمایه اجتماعی با توسعه و عملکرد نهادی، تحکیم دموکراسی، تقویت جامعه مدنی (الگوهای مشارکت مدنی و هم‌بستگی مدنی)، عام‌گرایی هویتی، تقویت فضیلت‌های مدنی (بردباری اجتماعی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی)، و تلطیف شکاف‌های اجتماعی و سیاسی وجود دارد (پاتنام، ۱۳۸۰). ایده محوری سرمایه اجتماعی این است که شبکه‌های اجتماعی ارزش‌مند هستند و کنش‌های مشارکتی بر کارایی افراد و گروه‌ها و تسهیل روند توسعه اثرگذار است. مطالعات و شواهد تجربی در جامعه ایران گویای آن است که با وجود گسترش نظام آموزش عالی، بهره‌مندی از نیروی انسانی متخصص و کارآمد، و وجود منابع طبیعی و سرمایه‌های فیزیکی، نظام اقتصادی ناکارآمد و میزان بهره‌وری نیروی کار در ایران پایین است. نظام اداری با ضعف در کارآمدی و بهره‌وری و عمده شدن روال‌های اداری و فراموشی اهداف مواجه است (رفیع‌پور، ۱۳۸۸: ۳۹). «باقری» و همکاران (۱۳۹۸) در تحلیل مضامین «گزارش وضعیت اجتماعی کشور» که مشتمل بر ۴۴ مقاله است،

به وجود و افزایش فردگرایی خودخواهانه، افزایش فساد اداری، ضعف تعاملات، مضایقه از تعاملات، کم‌دامنگی تعاملات، مقطعی بودن تعاملات، ضعف سازمان‌های مردم‌نهاد، فروپاشی همکاری و ضعف عواطف مثبت و تعلق اجتماعی در جامعه ایران اشاره نموده‌اند. مسائل مذکور مؤید ضعف تعاملات و عواطف مثبت و افزایش تعاملات سرد در ایران است. در سطح کنشگران انسانی، به‌ویژه در نزد نسل جوان و تحصیل‌کرده، احساس اثرگذاری اجتماعی و امید به بهبود روند امور کمتر شده است؛ بی‌تفاوتی اجتماعی، انزوای اجتماعی و رشد مصرف‌روان‌گردان‌ها در نزد جوانان رشد‌فزاینده‌ای پیدا کرده است (قادرزاده و رادمان، ۱۳۹۷: ۵۹).

جامعه ایران در ابعاد مختلف کمتر توسعه‌یافته است. نگاهی به رتبه‌بندی استان‌های کشور از لحاظ شاخص توسعه انسانی طی سال‌های ۱۳۶۵-۱۳۹۰ گویای آن است که از نظر توسعه انسانی (به‌عنوان شاخص اصلی نابرابری اجتماعی)، استان کردستان تنزل مرتبه پیدا کرده است و از جایگاه ۲۴ در سال ۱۳۶۵ به ۲۹ در سال ۱۳۹۰ تغییر یافته است. از لحاظ توسعه‌یافتگی صنعتی در سال ۱۳۹۵، در مرتبه ۳۱ قرار دارد (جمالی و همکاران، ۱۳۸۸؛ نیسی، ۱۳۸۹؛ مشفق، ۱۳۹۴؛ محمدزاده و خانی، ۱۳۹۷). برای نمونه، وضعیت معیشتی مردمان کردستان به دلیل ناهماهنگی‌های ساختاری و زوال فرصت‌های کاری، با دشواری‌های جدی مواجه بوده و کولبری و کسب‌وکارهای ناپایدار و پرمخاطره مرزی به الگوی غالب معیشتی در این منطقه تبدیل شده است (قادرزاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۳). به دلیل نظام متمرکز برنامه‌ریزی در ایران، مسائل یاد شده در اذهان عمومی به مدیران و در سطحی بالاتر به نظام سیاسی تعمیم و نسبت داده می‌شود.

با توجه به دامنه تأثیرات سرمایه اجتماعی در سطوح مختلف و در مواردی چون: افزایش سلامت روان افراد، کاهش جرم و بزه در سطح خرد و کلان (چلبی و مبارکی، ۱۳۸۴: ۳)، افزایش کارایی و پاسخ‌گویی سازمان‌ها و نهایتاً موارد کلانی چون: افزایش امنیت و سرعت بخشیدن به جریان توسعه‌یافتگی جامعه، سنجش و ارزیابی وضعیت سرمایه اجتماعی در سطوح خرد، میانی و کلان ضروری به نظر می‌رسد. اگر بپذیریم که امروزه برقراری نظم و انسجام اجتماعی، تحکیم توسعه‌یافتگی و مدیریت تضادها و منازعات اجتماعی، اصلی‌ترین ضرورت نظام تدبیر و شاخص حکمروایی خوب است؛ تحقق این امر متضمن هم‌فکری، هم‌دلی و هم‌گامی در جامعه و به بیان دیگر، بسط و تحکیم سرمایه اجتماعی است. در همین راستا و با اذعان به اهمیت محوری سرمایه اجتماعی به مثابه یک سازه سیاسی، و نظر به این‌که تاکنون پژوهشی جامع و با نمونه‌ای گسترده و معرف استان کردستان به انجام نرسیده است، پژوهش حاضر

در نظر دارد تا وضعیت سرمایه اجتماعی را در شهرهای استان گوردستان را توصیف نماید و به میانجی توصیف متغیر یاد شده به راهکارهای عملیاتی و گزاره‌های راهبردی در خصوص ارتقای کمی و کیفی سرمایه اجتماعی در گوردستان بپردازد. بر این اساس، پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که وضعیت سرمایه اجتماعی (در سطوح خرد، میانه و کلان) در استان گوردستان چگونه است؟ سرمایه اجتماعی بر مبنای ویژگی‌های زمینه‌ای - جمعیت‌شناختی و ویژگی‌های اجتماعی چگونه تفاوت می‌پذیرد؟ بر مبنای پیمایش حاضر، در راستای ارتقای کمی و کیفی سرمایه اجتماعی چه راهکارهایی می‌توان ارائه داد؟

۲. پیشینه پژوهش (مرور منابع یا ادبیات تحقیق)

مطالعاتی که در ۱۰ سال اخیر بر روی نمونه‌هایی از مناطق گردنشین به انجام رسیده است، بر مسأله‌مند شدن سرمایه اجتماعی دلالت دارد. بر مبنای گزارشی که مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری با همکاری اتاق فکر استان گوردستان با عنوان «مسأله‌شناسی راهبردی استان گوردستان» در سال ۱۳۹۴ منتشر کرده است، وضع نگرشی-ارتباطی و اعتمادی مردمان استان و پنداشت عمومی نسبت به ساختار سیاسی در وضعیت نامطلوبی قرار دارد و در صورتی که این شکاف اعتمادی-ارتباطی بر طرف نشود در بزنگاه‌های بحرانی که ساختار سیاسی حاکم نیازمند حمایت و پشتیبانی مردم گوردستان خواهد بود یا شاهد عدم واکنش طیف وسیعی از مردم خواهیم بود و یا حتی یک وضعیت تقابلی شکل خواهد گرفت.

هم‌چنین در طرح ملی سنجش سرمایه اجتماعی کشور که توسط مرکز ملی رصد اجتماعی در خرداد ۱۳۹۴ به انجام رسیده است و مراکز استان‌های کشور، از جمله شهر سنندج^۱ در استان گوردستان مورد بررسی قرار گرفته است، گویای آن است که در شهر سنندج، میزان سرمایه اجتماعی کلان در ۶۳/۵٪ افراد نمونه، کم و خیلی کم و تنها در ۸٪ زیاد بوده است. میزان سرمایه اجتماعی در سطح میانی در ۳۵٪ افراد نمونه در حد کم و خیلی کم و در ۵۶/۶٪ نمونه در حد متوسط و در ۹/۳٪ زیاد بوده است. سرمایه اجتماعی در سطح خرد در ۳۸/۵٪ از افراد نمونه در حد کم و خیلی کم، در ۵۸/۲٪ متوسط و در ۳/۴٪ زیاد بوده است.

«قادرزاده» و «معیدفر» (۱۳۸۹)، در پژوهشی با عنوان «گونه‌ها و سطوح سرمایه اجتماعی در مناطق قومی (مطالعه موردی مناطق گردنشین)»، ضمن تأکید بر سرمایه اجتماعی، به ویژه گونه جدید آن، به عنوان مهم‌ترین هدف و معیار توسعه اجتماعی، نشان داده‌اند که در جوامعی نظیر ایران که با زیست چندفرهنگی و چندقومی ویژگی

می‌یابد، توسعه اجتماعی بدون حضور فعالانه و کنش‌های ارتباطی بین‌گروهی و بین قومی امکان‌ناپذیر است. نتایج پژوهش بر وجود مشابهت و قرابت در میزان سرمایه اجتماعی، سطوح و گونه‌های آن در مناطق گردنشین دلالت دارد. یافته‌ها نشان داد که متغیر سطح توسعه تأثیر مؤثر و کاهنده‌ای بر گونه قدیم سرمایه اجتماعی و اثرات مؤثر و تقویت‌کننده‌ای بر گونه‌های جدید و نهادی سرمایه اجتماعی در مناطق گردنشین دارد (قادرزاده و معیدفر، ۱۳۸۹: ۱۰۵).

۳. چارچوب نظری

اندیشمندان معاصر نظیر: «کلمن»، «بورديو»، «پاتنام»، «فوکویاما»، و «کریشنا»، پیوندها و مناسبات اجتماعی را که مقوم انسجام اجتماعی هستند، به عنوان شکلی از سرمایه (سرمایه اجتماعی) توصیف نموده‌اند. ایده اصلی سرمایه اجتماعی این است که شبکه‌های اجتماعی ثروتی ارزشمند هستند. شبکه‌ها پایه‌ای برای انسجام اجتماعی به وجود می‌آورند؛ زیرا افراد را قادر می‌سازند تا با هم و نه فقط با افرادی که به طور مستقیم می‌شناسند، برای کسب منفعت متقابل همکاری نمایند (فیلد، ۱۳۸۶: ۲۶). بر این مینا، سرمایه اجتماعی، متشکل از مراودات شخصی و تعاملات بین شخصی، به علاوه مجموعه‌ای از ارزش‌های مشترک مرتبط با این پیوندها می‌باشد.

یکی از مباحث اصلی در نزد عالمان اجتماعی و سیاسی سازوکار تولید و اثرگذاری سرمایه اجتماعی در جامعه و در نزد اجتماعات مختلف و نسبت آن با توسعه است. کنکاش‌های مفهومی و نظری و تجربی که بیشتر در اروپا و آمریکا انجام شده است، سطح سرمایه اجتماعی را در جوامعی که تعداد بیشتری از افراد در تعداد بیشتری از انجمن‌های مدنی عضویت دارند، بالا دانسته است. با لحاظ این سنجه سرمایه اجتماعی، به نظر می‌رسد بیشتر کشورهای در حال توسعه در برخورداری از این دارایی بسیار ضعیف و فقیر هستند. حتی این میزان اندک فعالیت انجمنی عمدتاً در مناطقی از شهرها متمرکز است، و تعداد زیادی از ساکنان روستاها هیچ‌گونه ارتباط رسمی سازمانی برقرار نمی‌کند. به باور «آلموند و وربا»^۲ (۱۹۶۵) و «لیپست»^۳ (۱۹۶۰ و ۱۹۹۴) نگرش‌ها و شبکه‌های تسهیل‌گر مشارکت مدنی، از توسعه اقتصادی نشأت می‌گیرد؛ بنابراین، سرمایه اجتماعی فقط پس از افزایش سطح درآمد سرانه، قابل مشاهده خواهد بود. این استدلال نشان می‌دهد، رشد مقدم بر شکل‌گیری سرمایه اجتماعی است. به باور کریشنا، از شدت عضویت انجمنی به عنوان معرف سرمایه اجتماعی در غرب استفاده شده است. بدفهمی اصلی آن است که این سنجه معادل خود مفهوم سرمایه اجتماعی در نظر گرفته شده است. صرف عضویت در انجمن‌های متعدد نیست که گرایش به

کنش جمعی سودمند را القا می‌کند. در کشورهای درحال توسعه، به ویژه در مناطق روستایی، انجمن‌های غیررسمی به جای انجمن‌های متعارف و رسمی بیشترین ارزش را برای ساکنان دارند (کریشنا^۲، ۲۰۰۲: ۵-۴).

تأکید بر تعداد انجمن‌های مدنی غیردولتی به عنوان شاخص سرمایه اجتماعی (که بیش از هر چیز با رویکرد پاتنام در ارتباط است) در کشورهای درحال توسعه که دارای جامعه مدنی ضعیف هستند و اکثر انجمن‌ها به شدت دولت متکی هستند یا در واقع تحت نظارت دولت عمل می‌کنند، گمراه‌کننده است. کریشنا پیشنهاد می‌کند که به جای این شیوه باید با تأکید بر شبکه‌ها و هنجارهای غیررسمی جامعه به اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی بپردازیم (ولکاک^۳ و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۹). مسلماً رویکرد نظری کریشنا بالحاظ مختصات جامعه ایران و میدان مورد مطالعه (استان کردستان با بافت متنوع فرهنگی و اجتماعی) مناسب‌تری دارد.

آنیروود کریشنا در کتاب سرمایه اجتماعی فعال: ردیابی ریشه‌های توسعه و دموکراسی، با تأسی از مفهوم‌سازی پاتنام (۱۹۹۵: ۶۷) در مقاله «بولینگ تنها: سرمایه اجتماعی رو به زوال آمریکا»، سرمایه اجتماعی را به عنوان «ویژگی‌ها و مختصات سازمان اجتماعی نظیر شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد اجتماعی تعریف می‌نماید که هماهنگی و همکاری را برای منافع متقابل تسهیل می‌کند» (۱۹۹۵: ۶۷). سرمایه اجتماعی برای کنش جمعی متقابل سودمند است و از کیفیت روابط بین افراد درون یک گروه یا جامعه خاص ناشی می‌شود. ادعا می‌شود که اجتماعات با سرمایه اجتماعی بالا در حوزه‌های مختلف به نتایج برتر دست پیدا خواهند کرد و بایستی به اجتماعات با سرمایه اجتماعی پایین کمک نمود تا ذخایر این منابع را ایجاد کنند؛ بنابراین، عملکرد آن‌ها نیز با گذشت زمان بهبود می‌یابد. توسعه اقتصادی، صلح در جامعه و مشارکت دموکراتیک، صرفاً با سرمایه‌گذاری در ذخایر سرمایه اجتماعی قابل ارتقا است. اجتماعاتی که دارای سرمایه اجتماعی زیادی هستند قادر به تعامل در یک همکاری مشترک سودمند در یک جبهه گسترده هستند. اجتماعاتی که سطح پایین سرمایه اجتماعی دارند، توانایی سازماندهی مؤثر خود را ندارند (فوکویاما، ۱۹۹۵؛ پاتنام و همکاران، ۱۹۹۳؛ پاتنام، ۱۹۹۵).

بیش از پنج دهه از توسعه به رهبری دولت در بسیاری از کشورهای کمتر توسعه یافته، نتوانسته است به میزان قابل توجهی به تعدیل و کاهش فقر بینجامد. از آنجا که دولت پس از عدم تحقق وعده‌های خود درحال عقب‌نشینی است و از آنجا که اقدامات بازار به سختی همیشه به نفع فقرا بوده است، بسیاری از تحلیل‌گران خواستار راه‌حل‌های جامعه مدنی برای مقابله با مشکلات پایدار فقر و ناتوانی/بی‌قدرتی هستند (کریشنا، ۲۰۰۲: ۱). اقدامات هماهنگ شده توسط انجمن‌های مدنی، شهروندان را قادر می‌سازد

تا به شیوه مؤثرتری با دولت و مؤسسات بازار ارتباط برقرار نمایند. ادعا می‌شود، ارائه خدمات بهبود یافته، پاسخ‌گویی و شفافیت افزایش می‌یابد، و هنگامی که گروه‌های متشکل/سازمان یافته از شهروندان با دولت تعامل سازنده برقرار می‌نمایند، منابع آن‌ها بیشتر می‌شود و حاکمیت شفاف و کارآمدتر می‌شود. وقتی انجمن‌های شهروندان به طور گسترده در کارهای متنوع تأمین و خودگردانی مشارکت داشته باشند، چشم‌انداز وسیع‌تری از توسعه انسانی ارائه می‌شود (سن، ۱۹۹۹؛ به نقل از: کریشنا، ۲۰۰۲: ۲). کریشنا به مرور سه رویکرد نظری درخصوص خاستگاه سرمایه اجتماعی و پیوند آن با عملکرد نهادی، صلح قومی و تقویت حکومت دموکراتیک می‌پردازد.

- تز سرمایه اجتماعی؛ سرمایه اجتماعی به مثابه علت ضروری و کافی

رویکرد نظری نخست بر نقش علی و ضروری سرمایه اجتماعی تأکید می‌نماید. پاتنام صاحب نظر اصلی این رویکرد (تز سرمایه اجتماعی) است. به باور پاتنام، افرادی که در شبکه‌های اجتماعی متراکم به هم متصل شده‌اند، با هنجارهای متقابل و اعتماد، توانایی بهتر و تمایل بیشتری دارند برای منافع متقابل و اهداف اجتماعی به طور جمعی عمل کنند (پاتنام و همکاران، ۱۹۹۳: ۱۷۳). چنین هنجارها و شبکه‌هایی، گروه‌ها - و جامعه را به عنوان یک کل - قادر می‌سازد برای برخورد با مسائل اقتصادی و اجتماعی چندگانه روان و مؤثر عمل کنند. سطح سرمایه اجتماعی، یک متغیر مهم است که بر دستاورد کل جامعه تأثیر می‌گذارد. توسعه، دموکراسی و هم‌چنین صلح در جامعه در موقعیت‌های سرمایه اجتماعی بالا قابل حصول است. این نتایج توسط مقایسه عملکرد دولت‌های منطقه‌ای در ایتالیا پشتیبانی می‌شود. اولین کار پاتنام در مورد سرمایه اجتماعی در بخش آخر مطالعه‌ای درباره حکومت منطقه‌ای در ایتالیا با عنوان سنت‌های مدنی در ایتالیا (۱۹۹۳) انجام داد. براساس دو دهه گردآوری داده‌های تجربی، پاتنام به دنبال شناسایی و تبیین تفاوت‌های بین مدیریت منطقه‌ای در شمال و جنوب ایتالیا بود. پاتنام در ابتدا رویکرد نهادی نسبت به مطالعه داشت و بر عملکرد نسبی عاملین سیاسی در شمال و جنوب کشور تمرکز نمود و نتیجه گرفت که عملکرد نهادی به نسبت موفق مناطق شمالی به دلیل روابط دوجانبه بین حکومت و جامعه مدنی است. در عوض، او بر این باور بود که ریشه شکاف بین دولت و جامعه مدنی در جنوب در دوره حکومت نورمن‌ها نهفته است که این دوره فرهنگ شک و ترس متقابل را ایجاد نمود و این ویژگی بارها سد اصلاحات و نوزایی نهادی شده است. پاتنام، مفهوم سرمایه اجتماعی را برای روشن‌تر شدن تفاوت‌های تعهد مدنی به کار گرفت. سرمایه اجتماعی در این جا به ویژگی‌هایی از سازمان اجتماعی، از جمله اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها اشاره دارد که

قادرند کارایی جامعه را با تسهیل کنش‌های جمعی و مشارکتی بهبود بخشند (فیلد، ۱۳۸۶: ۵۴-۵۳). به باور پاتنام، هیچ‌یک از متغیرهایی که معمولاً در تحلیل سیاسی و اقتصادی ذی‌مدخل است - سطوح توسعه اقتصادی و فناوری، آموزش، شهرنشینی، قشربندی و منازعه - برای توضیح تفاوت در عملکرد نهادی قابل توجه نیست. آنچه مهم است - به تنهایی و با حذف سایر عوامل - سرمایه اجتماعی یا سطح تعامل مدنی است که در مناطق مختلف مشاهده می‌شود. صرف نظر از فرم‌های ساختاری خاص، سطح بالاتری از مشارکت مدنی تضمین می‌کند که شهروندان در شمال کشور خواستار حکمرانی بهتر و تأمین رهبران و مدیران بهتر در مقایسه با افراد جنوب هستند؛ بنابراین سرمایه اجتماعی برای توضیح تبیین نتایج/پیامدهای جامعه‌ی هم لازم و هم کافی است. سرمایه اجتماعی از آن بابت ضرورت دارد، چون عملکرد نهادی پایین همیشه با سرمایه اجتماعی پایین و عملکرد نهادی بالا با سرمایه اجتماعی بالا مطابقت دارد و از آن منظر کافی است؛ زیرا به جز سرمایه اجتماعی هیچ عامل دیگری ارزش زیادی برای تبیین ندارد. نه متغیرهای اقتصادی و نه ساختارهای دولت برای توضیح تفاوت‌های مشاهده شده در مناطق ایتالیا موضوعیت/اهمیت چندانی ندارد (کریشنا، ۲۰۰۲: ۱۶). همان‌گونه که در نمودار ۱، آمده است، فرضیه اصلی تز سرمایه اجتماعی به صورت زیر است: تفاوت بین واحدهای اجتماعی در عملکرد را می‌توان به طور قابل توجهی با ارجاع به سرمایه اجتماعی به تنهایی تشریح و تبیین نمود (همان: ۱۷).



نمودار ۱. تز سرمایه اجتماعی

- رویکرد نهادی

از منظر صاحب نظران تز سرمایه اجتماعی، نهادهای دموکراتیک، نمی‌توانند از بالا به پایین ساخته شوند، آن‌ها به میانجی سنت‌های روزمره اعتماد و فضیلت مدنی در میان شهروندان ایجاد می‌شوند (لیتین، ۱۹۹۵: ۱۷۲). آنچه به جای ساختارهایی که از رأس جامعه به سمت پایین می‌روند مهم است، ماهیت روابط اجتماعی موجود در قاعده/زیر آن است (کریشنا، ۲۰۰۲: ۱۸).

ساختارگرایان، به عنوان رویکرد جایگزین تز سرمایه اجتماعی، ساختارهای علی را مقدم بر روابط اجتماعی می‌دانند؛ آن‌ها تأیید می‌کنند، ساختار سیاسی و زمینه سیاسی از اهمیت اساسی برخوردار است و در شکل دادن به انواع سازمان‌ها در جامعه و بر رفتار و

نگرش شهروندان اثرگذار است (ادواردز و فولی^۷، ۱۹۹۸: ۱۲۸). سرمایه اجتماعی ممکن است ناشی از نحوه فعالیت نهادهای دولتی باشد و نه انجمن‌های داوطلبانه (روتستین^۸، ۲۰۰۱: ۲۰۷). دولت‌ها منبع سرمایه اجتماعی هستند. «نظریه سوسیال دموکراسی» مدعی نقش مهمی برای دولت در کاهش وابستگی‌های محدود و غالباً پرخطر افراد به یکدیگر است. نهادگرایی اقتصادی جدید بر اهمیت دولت در ایجاد و اجرای حقوق مالکیت که اعتماد را ممکن می‌سازد، تأکید می‌کند. کارهای اخیر اقتصاددانان سیاسی و مورخان اقتصادی بر نقش نهادهای دولتی در برقراری تعادل صلح‌آمیز در میان گروه‌های رقیب تأکید دارد (لوی^۹، ۱۹۹۶: ۵۰-۵۱). «تارو»^{۱۰}، با مرور شواهد تاریخی ارائه شده توسط پاتنام درخصوص ایتالیا نشان می‌دهد که برای ارائه یک نتیجه‌گیری کاملاً متفاوت که علت و معلول را در پرونده ایتالیا معکوس می‌کند، مرور کرده است؛ ظرفیت مدنی به‌طور متنوعی توسط الگوهای دولت‌سازی و استراتژی دولت در جنوب ایتالیا شکل گرفته است (تارو، ۱۹۹۶: ۳۹۵-۳۹۴). ساختارگرایان با ادعای این‌که ظرفیت مدنی محصول جانبی سیاست، دولت‌سازی و ساختار اجتماعی است، تز سرمایه اجتماعی را رد می‌کنند (همان: ۳۹۶). به‌جای این‌که سرمایه اجتماعی عملکرد نهادی را توضیح دهد؛ بنابراین، برای تبیین سرمایه اجتماعی به نهادها ارجاع می‌شود (کریشنا، ۲۰۰۲: ۱۹).

«برهم» و «راهن»^{۱۱}، با بررسی داده‌های ایالات متحده برای دوره ۱۹۷۲-۱۹۹۴، نتیجه گرفتند که سرمایه اجتماعی، برعکس، به‌همان اندازه نتیجه اعتماد به نهادها است (برهم و راهن، ۱۹۹۷: ۱۰۱۸). نهادها مقدم بر روابط اجتماعی هستند. «کناک» و «کیفر»^{۱۲} (۱۹۹۷: ۱۲۵۲، ۱۲۸۴) نتیجه تحلیل ۲۹ کشور خود را با انعکاس دیدگاه نهادگرایانه جدید به‌دست آوردند. آن‌ها اظهار داشتند، «اعتماد و هنجارهای همکاری مدنی» در کشورهایی با مؤسسات/نهادهای رسمی که به‌طور مؤثر از حقوق مالکیت و قرارداد محافظت می‌کند، قوی‌تر است (کناک و کیفر، ۱۹۹۷: ۱۲۵۲). دانشمندان علوم سیاسی شواهد دیگری را برای حمایت از اولویت و تقدم ساختارها ارائه می‌دهند. «اشنایدر»^{۱۳} و همکارانش، استدلال می‌کنند که سطح سرمایه اجتماعی می‌تواند از طریق تغییرات ساختاری ناشی از آن تغییر یابد؛ آن‌ها ادعا می‌کنند که طراحی نهادهای عمومی، بر سطح سرمایه اجتماعی تأثیر می‌گذارد (اشنایدر و همکاران، ۱۹۹۷: ۸۲).

یک تفاوت اساسی در دیدگاه اعتماد و همکاری ضمنی در تز سرمایه اجتماعی و تحلیل‌های ساختارگرا وجود دارد؛ درحالی‌که دیدگاه نخست، سرمایه اجتماعی را برون‌زا و متغیر مستقل می‌داند، دیدگاه رقیب آن‌را درون‌زا و وابسته می‌داند. این اختلاف نظر عواقب عمیقی برای سیاست‌گذاری دارد. درنظر گرفتن اعتماد به‌مثابه عاملی درون‌زا ما را ترغیب می‌کند که پرسیم کدام تنظیمات/ترتیب‌ات‌انگیزه‌های اعتماد را فراهم

می‌کند. با این حال، تلقی برون‌زایی از اعتماد، به این معناست که ما سطح اعتماد را مفروض در نظر بگیریم و در کوتاه‌مدت تا میان‌مدت در معرض تغییر نیست. همان‌گونه که در نمودار ۲، آمده است، فرضیه اصلی رویکرد ساختارگرایی بدین صورت است؛ تفاوت در عملکرد نهادی را می‌توان توسط متغیرهای مرتبط با نهادهای رسمی و انگیزه‌ها/ محرک‌های ناشی از این نهادها تبیین نمود. سرمایه اجتماعی تأثیری در عملکرد اجتماعی مقایسه‌ای مستقل از چنین نهادها و تأثیرات آن‌ها ندارد. سرمایه اجتماعی در این حالت مهم نیست. در بهترین حالت، سرمایه اجتماعی، «محصول جانبی» انگیزه‌های نهادی است؛ بنابراین از نظر علی اهمیت ندارد. خطوط بریده در نمودار ۲، چنین نقش تبعی را برای سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد (کریشنا، ۲۰۰۲: ۲۰). واژگونی ساختاری دیگری از تز سرمایه اجتماعی توسط «وید»^{۱۴} (۱۹۹۴) در مطالعه اقدام جمعی در روستاهای جنوب هند ارائه شده است. وی دریافت که روستاهای واقع در انتهای کانال‌های آبیاری به احتمال زیاد از روستاهایی که در نزدیکی کانال قرار دارند، سازمان‌های جمعی بیشتری برای تأمین و توزیع آب تشکیل می‌دهند. روستاییان سرآمد با آب کافی، نیاز کمتری به فعالیت جمعی دارند. این‌که روستاییان به‌طور جمعی عمل کنند یا نکنند، به «نیاز نسبی»^{۱۵} بستگی دارد. روستاییانی که بیشتر به فعالیت جمعی نیاز دارند با هم عمل می‌کنند؛ جایی که نیاز کمتر است، اقدامات جمعی کمتر مشهود است (وید، ۱۹۹۴: ۱۶۴).

فرمول نیاز نسبی وید را می‌توان به‌عنوان نتیجه فرضیه ۲ بیان کرد. در هر دو صورت، سرمایه اجتماعی تفاوت عملکرد نهادی را توضیح نمی‌دهد. در یک مورد، سرمایه اجتماعی محصول جانبی ساختارهای دولت است و در موارد دیگر محصول نیاز نسبی است (کریشنا، ۲۰۰۲: ۲۲).



نمودار ۲. رویکرد نهادی

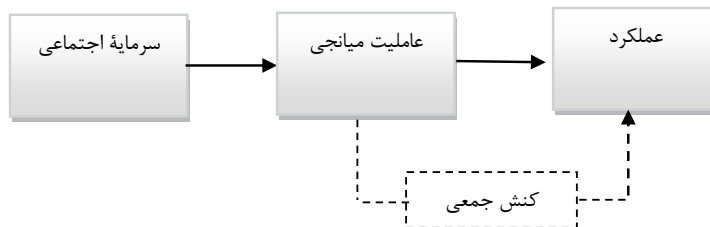
- رویکرد عاملیت میانجی

در چارچوب تز سرمایه اجتماعی، جامعه قوی، اقتصاد قوی و جامعه قوی، دولت

قوی را در پی دارد. علت برای تشریح اثر کافی است و پیوندهای واسطه‌ای غیرضروری است، اما انتقال خودکار سرمایه اجتماعی در سطح جامعه به عملکرد در سطح دولت و ملی ممکن است در عمل مشکل‌ساز باشد؛ این‌که انجمن‌گرایی عملکرد نهادی را تقویت نماید، به ماهیت پیوندهای واسطه بستگی دارد. تا زمانی که به نقش عاملیت واسطه‌ای توجه نشود، تز سرمایه اجتماعی به طور جدی ناقص باقی می‌ماند. سرمایه اجتماعی ممکن است افراد را مستعد همکاری کند و شبکه‌های اجتماعی از قبل موجود به طور کلی همکاری را تسهیل نمایند، اما در حوزه‌های خاصی از اقدامات، به ویژه در مواردی که نیاز به درگیر ساختن محیط بیرونی است، عاملیت/آژانس‌های خاص، مانند احزاب سیاسی یا گروه‌های سازمان یافته ذینفع نیز مورد نیاز خواهد بود (کریشنا، ۲۰۰۲: ۲۵-۲۲).

همان‌گونه که در نمودار ۳، آمده است، فرضیه اصلی تز عاملیت میانجی به صورت زیر است؛ سرمایه اجتماعی از طریق میانجی‌گری کارگزاران یا مجاری، عملکرد نهادی را در حوزه‌های اجتماعی خاص ارتقا می‌بخشد. اثر بخشی عاملیت میانجی به اندازه سطح دارایی (سرمایه اجتماعی) برای درک تغییرات عملکرد نهادی مهم است. شواهد بررسی شده توسط کریشنا در کتاب سرمایه اجتماعی فعال، از نسخه اصلاح شده فرضیه سوم پشتیبانی می‌کند. برای پرداختن به اهداف مختلف اجتماعی، یعنی توسعه اقتصادی، صلح جامعه و مشارکت سیاسی انواع مختلف عاملیت و کارگزار مورد نیاز است. برای هر یک از این متغیرهای وابسته، یعنی توسعه اقتصادی، صلح جامعه و مشارکت سیاسی، سرمایه اجتماعی یک متغیر مهم و مستقل است؛ اما وقتی عاملیت به عنوان یک عامل میانجی وارد تحلیل می‌شود، تأثیرات سرمایه اجتماعی به طور قابل توجهی بزرگ می‌شود (والزر^۶، ۱۹۹۵: ۱۴).

شواهد نشان می‌دهد که علاوه بر سرمایه اجتماعی، عملکرد در هر زمینه خاص نیز به ظرفیت مجموعه خاصی از عوامل مربوط به آن حوزه مربوط می‌شود. مطالعات کریشنا در ۶۹ روستای هند نشان داد که مجموعه‌های مختلفی از عوامل محلی در



نمودار ۳. رویکرد عاملیت میانجی

روستاهاى «راجستان» و «ماديا پرادش» يافت مى‌شوند كه با اقدامات جمعى مرتبط با اهداف مختلف اجتماعى مرتبط هستند. اين مجموعه جديد از رهبران جوان معمولاً نه به كاست / طبقه بالا تعلق دارند و نه از ثروتمندترين خانوارهاى روستا هستند. اما آن‌ها كارگزارانى هستند كه روستاييان از خدمات آن‌ها براى گرفتن بودجه دولت براى پروژه‌هاى توسعه و درخواست نمايندگان ايالتى از طرف نيازهاى روستاييان استفاده مى‌كنند. اگر اين كارگزاران ضعيف يا ناتوان باشند، روستاهاى داراى سرمايه اجتماعى بالا عملکرد خوبى براى توسعه ندارند. در گذشته نيز رهبران سنتى دهكده‌ها، بزرگان كه نماينده همه قشرها و اقوام هستند، عامليت را تدارم و مهيا نموده و دخيره سرمايه اجتماعى را براى هدف صلح جامعه فعال مى‌كنند. سطح صلح در جامعه در جايى بالا بوده است كه اين رهبران مؤثر بوده و در جايى كه سرمايه اجتماعى زياد است. اين دو متغير - سرمايه اجتماعى و اثربخشى كارگزاران - با يكديگر ارتباط زيادى ندارند، اين نشان مى‌دهد كه عامليت جدا از سرمايه اجتماعى تأثير مى‌گذارد. عواملى كه به سطح بالاي سرمايه اجتماعى كمك مى‌كنند، متفاوت از عواملى هستند كه بر ظرفيت و اثربخشى رهبران / كارگزاران جامعه تأثيرگذار مى‌گذارد؛ به طور خلاصه، بنابراين، داده‌ها نشان داد كه سرمايه اجتماعى براى توسعه، هماهنگى مشترك و مشاركت دموكراتيك مهم است و هنگامى كه با مداخله عوامل / كارگزاران توانمند فعال و توليد مى‌شود، اهميت آن حتى بيشتر مى‌شود (كريشنا، ۲۰۰۲: ۳۱-۲۹).

۴. روش‌شناسى پژوهش

۴-۱. تعريف مفاهيم و عملياتى‌سازى متغيرها

مباحث مفهومی و نظری ساز سرمايه اجتماعى بر اين نکته مهم تأکيد دارند كه سازه سرمايه اجتماعى بر حسب خصليت چندساختى كه دارد، بايد در سطوح خرد، مياني و كلان، واكاوى مفهومی و نظری شود. اين چارچوب مفهومی برگرفته از مطالعات كريشنا (۲۰۰۲) در كتاب سرمايه اجتماعى فعال و نظريه چلبى (۱۳۹۳) براى سنجش سرمايه اجتماعى است كه در قالب فصلی از كتاب «تحليل نظری و تطبيقی در جامعه‌شناسی» ارائه و به عنوان چارچوب مفهومی در طرح سنجش سرمايه اجتماعى وزارت كشور (۱۳۸۴ و ۱۳۹۴) مورد استفاده قرار گرفته است. در پژوهش حاضر به تأسى از طرح ملی سنجش سرمايه اجتماعى كشور (۱۳۹۴)، سرمايه اجتماعى در سطوح خرد، مياني و كلان مفهوم‌سازى و عملياتى شده است. سرمايه اجتماعى در سطح كلان، سرمايه اجتماعى نهادى است كه حاصل اعتماد عمومى و عموم شهروندان به اهميت و موفقيت عملکرد نهادها، در حوزه‌هاى چهارگانه اقتصادى، سياسى، اجتماعى و فرهنگى جامعه كل است.

وجه کلان سرمایه اجتماعی با رویکرد نظری نهادگرایی (نقش نهادها و ساختارهای دولتی در پی‌ریزی سرمایه اجتماعی) همخوانی دارد. بر این اساس، سرمایه اجتماعی در سطح کلان در قالب چهار بُعد (پنداشت از عملکرد نظام در رفع مشکلات، پنداشت از موفقیت نهادی در انجام وظایف، پنداشت از نکویی جامعه (مطلوب بودن جامعه و وجود عدالت و برابری) و ارزیابی از آینده)، که ۴۴ متغیر را شامل می‌شود و در سطح ترتیبی سنجش شده است.

سرمایه اجتماعی در سطح میانی، سرمایه سازمان‌ها و گروه‌ها، بر اعتماد عامه مردم به سازمان‌ها و عملکرد و کیفیت خدمات ارائه شده و نیز پنداشتی که عامه مردم از سازماندهی، وظیفه‌شناسی، تعهد و شایستگی و کاردانی نیروهای این سازمان‌ها در حوزه‌های چهارگانه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه دارند، دلالت دارد. سرمایه اجتماعی در سطح میانی در قالب شش بُعد (اعتماد سازمانی، کیفیت خدمات سازمانی، آمادگی مشارکت و کمک به سازمان‌ها، اعتماد تعمیم‌یافته (اعتماد به گروه‌های شغلی و حرفه‌ای)، عام‌گرایی گروه‌های شغلی و حرفه‌ای، ویژگی‌ها و ارزش‌های اخلاقی مسئولان) و با ۹۳ متغیر در سطح ترتیبی سنجش شده است.

سرمایه اجتماعی در سطح خرد، این نوع سرمایه با کم و کیف روابط و بده‌بستان بین کنش‌گران، اعتماد بین شخصی و تعمیم‌یافته، زندگی انجمنی مبتنی بر مشارکت، در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، پنداشت از وجود و حضور ارزش‌های اخلاقی و هنجارها در حیات اجتماعی و زندگی روزمره و احساس امنیت و رضایت از زندگی تعریف می‌شود. در این سطح، میزان سرمایه اجتماعی به حجم روابط، وفور روابط، ارزش روابط و البته اعتماد و عناصر سازنده آن ارتباط دارد. سرمایه اجتماعی در سطح خرد در قالب هشت بُعد (اعتماد عمومی، ویژگی‌ها و ارزش‌های اخلاقی مردم، عام‌گرایی اجتماعی، مشارکت اجتماعی (عضویت و فعالیت انجمنی، مشارکت در فعالیت‌های عام المنفعه، مشارکت در حل مشکلات محلی)، بده‌بستان اجتماعی، عرق ملی، رضایت از زندگی، احساس امنیت) و با ۱۰۰ متغیر در سطح ترتیبی سنجش شده است.

در پژوهش حاضر از روش پیمایش اجتماعی، به‌عنوان شیوه‌ای برای کشف و شناسایی مختصات، فراوانی و توزیع این مختصات و ابعاد آن و نیز چگونگی روابط متقابل بین متغیرها در شهرستان‌های استان کردستان بهره گرفته شده است. به میانجی روش مذکور، وضعیت سرمایه اجتماعی در استان کردستان توصیف و تبیین شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر، ساکنان شهرهای استان کردستان در بازه سنی ۲۰-۵۴ سال می‌باشد. نمونه پژوهش حاضر برمبنای حجم نمونه «کوکران» انتخاب و بالحاظ ویژگی‌های زمینه‌ای-جمعیت‌شناختی انتخاب شده است. در این پژوهش

هدف به دست آوردن برآورد استانی است. برای دستیابی به این هدف، و با نظر به پراکندگی صفت‌های مورد مطالعه در استان، از روش نمونه‌گیری چندمرحله‌ای استفاده شده است. به منظور تعیین حجم نمونه، از فرمول کوکران بهره گرفته شده است. از آنجا که فرمول کوکران برای نمونه‌گیری تصادفی و جمعیت‌های همگن قابل کاربرد است. در مواردی مثل پژوهش حاضر با توجه به تنوع درونی و پراکندگی جامعه آماری و دقت بیشتر، حجم نمونه (۳۸۴ نفر) به دست آمده Design Effect گردید؛ یعنی حجم نهایی فرمول کوکران در ۲ ضرب شد. در این حالت اگر ۳۸۴ را در عدد ۲ ضرب کنیم عدد ۷۶۸ به دست خواهد آمد که اگر آن را گرد کنیم به حجم نمونه نهایی ۸۰۰ خواهیم رسید که با توجه به جداول حجم نمونه تحقیق در سطح اطمینان ۹۵٪، قابل قبول است. اما در عمل چرا مقدار هر خُرده گروه، حداقل ۵۰ نفر انتخاب شده است، ملاحظه «دواس» مدنظر قرار گرفته است. «در عمل مسأله تعیین‌کننده اصلی در تصمیم‌گیری درباره حجم نمونه بررسی جداگانه خرده گروه‌های مختلف است. باید اطمینان حاصل کرد که حجم نمونه آن قدر بزرگ است که از تعداد کافی از خُرده گروه‌های مستقل (مثلاً گروه‌های سنی، جنس و طبقه) بر خوردار باشد. بنابر قاعده تجربی باید کاری کرد که کوچک‌ترین خرده گروه حداقل دارای ۵۰ تا ۱۰۰ مورد باشد» (دواس، ۱۳۸۱).

جدول ۱. برآورد حجم نمونه به تفکیک شهرستان

حجم نمونه	استان کردستان	بانه	بیجار	سقز	سنندج	قروه	مریوان	سروآباد	کامیاران	دیواندره	دهگلان
جمع	۹۰۳۳۴	۸۵۰۹۹	۴۸۱۳۳	۱۲۶۳۳۸	۳۹۴۰۷۰	۷۷۹۰۹	۱۰۹۷۰۲	۲۳۸۵۱	۵۸۰۵۳	۴۴۰۵۵	۳۵۹۲۴
تعداد نمونه ^{۱۳}	۸۰۰	۷۵	۴۳	۱۱۲	۲۶۰	۶۹	۹۷	۲۱	۵۱	۳۹	۳۳
تعداد نمونه ^{۱۴}	۱۰۳۰	۱۰۰	۸۰	۱۲۰	۲۶۰	۱۰۰	۱۰۰	۵۰	۸۰	۸۰	۶۰
داده‌های گردآوری شده	۱۰۰۷	۱۰۰	۸۰	۱۲۰	۲۶۰	۱۰۰	۱۰۰	۵۰	۸۹	۵۸	۵۰

در پژوهش حاضر، از تکنیک پرسش‌نامه برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شد. پرسش‌نامه، مخصوص پاسخ‌گویان از طریق مراجعه به خود پاسخ‌گو تکمیل گردیده و از طریق انجام مصاحبه اطلاعات مورد نیاز به دست آمده است. برای بالابردن اعتبار پرسش‌نامه، ابتدا اعتبار صوری پرسش‌ها با بهره گرفتن از نقطه نظرات و مشاورت صاحب‌نظران مورد بررسی قرار گرفت. علاوه بر این، در تدوین پرسش‌ها یا گویه‌های مقیاس‌های اصلی از پرسش‌های مشابهی که در پرسش‌نامه‌های فراگیر داخلی، به ویژه در گزارش کشوری سنجش سرمایه اجتماعی وزارت کشور (۱۳۹۴) به انجام رسیده است، استفاده شد. در مرحله بعد، برای سنجش اعتبار درونی شاخص‌های مذکور از روش تحلیل گویه استفاده گردید. برای تحلیل پایایی مقیاس‌های پرسش‌نامه از ضریب پایایی یا آلفا استفاده شد. جدول ۲، نتایج تحلیل پایایی را نشان می‌دهد.

جدول ۲. ضرایب پایایی مقیاس‌های مورد استفاده

طیف	تعداد گویه‌ها	ضریب آلفای استاندارد شده
سرمایه اجتماعی سطح کلان	۴۴	۰/۹۰۱
سرمایه اجتماعی سطح میانی	۹۳	۰/۹۱۸
سرمایه اجتماعی سطح خرد	۱۰۰	۰/۹۳۵

در این پژوهش، برای تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده، در توصیف داده‌ها از تکنیک‌های آمار توصیفی، به‌ویژه جداول توزیع فراوانی و شاخص‌های مرکزی استفاده شده است. داده‌ها به‌وسیله نرم‌افزار آماری SPSS (IBM SPSS Statistics 22.0) پردازش و تحلیل شده است.

۵. یافته‌های پژوهش

۵-۱. ویژگی‌های زمینه‌ای - جمعیتی

جامعه مطالعه شده شامل ۱۰ شهر استان کردستان است و از میان شهرهای یادشده، ۱۰۰۷ پرسش‌نامه گردآوری شده است. به لحاظ توزیع جنسی، ۴۴/۷٪ جامعه مطالعه شده را زنان و ۵۵/۳٪ را مردان تشکیل داده‌اند. از نظر توزیع سنی، ۳۴/۵٪ در رده سنی ۲۰ تا ۲۹ سال، ۳۶/۸٪ در رده سنی ۳۰ تا ۳۹، ۲۱/۶٪ در رده سنی ۴۰ تا ۴۹ و ۷/۱٪ در سنین ۵۰ به بالا قرار داشته‌اند. به لحاظ وضع تأهل، ۳۳/۵٪ مجرد، ۶۳/۲٪ متأهل و ۳/۳٪ در گروه سایر (مطلقه و همسر فوت کرده) بودند. از نظر وضع تحصیلی، ۰/۷٪ بی‌سواد و مابقی باسواد بودند که ۳/۸٪ آنان سواد در سطح ابتدایی، ۴/۲٪ در سطح راهنمایی، ۵/۷٪ در سطح متوسطه، ۱۷/۶٪ دیپلم، ۱۵٪ فوق‌دیپلم، ۳۸/۵٪ لیسانس و ۱۲/۸ و ۱/۷٪ به ترتیب فوق‌لیسانس و دکتری داشتند. به لحاظ وضع فعالیت، ۶۷/۱٪ شاغل، ۱۰/۲٪ بیکار، ۱۱/۶٪ خانه‌دار، ۸/۵٪ دانشجو، ۱/۵٪ بازنشسته، و ۱/۲٪ سایر (سرباز و...) بودند. به لحاظ وضع مذهبی، ۷۵/۳٪ را اهل تسنن، ۲۱/۹٪ اهل تشیع و ۲/۸٪ را سایر مذاهب تشکیل می‌دهند.

۵-۲. سرمایه اجتماعی کلان

یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی کلان، پنداشت مردم از عملکرد نظام در رفع و حل مشکلات است. مشکلات و مسائل مطرح شده برای دریافت نظر پاسخ‌گویان شامل ۱۰ مشکل بودند که عموم مردم از آن‌ها به لحاظ ذهنی و عینی، پنداشت و دریافت‌هایی دارند. با تجمیع

ارزیابی مطرح‌شده در مورد موفقیت نظام در مورد مشکلات ۱۰گانه یادشده، شاخص کلی پنداشت از موفقیت نظام، محاسبه شد. همان‌گونه که در جدول ۳، آمده است، میانگین پنداشت مردم از عملکرد نظام در رفع و حل مشکلات ۴۱٪ و در حد پایین ارزیابی می‌شود. بیش از ۷۴٪ پاسخ‌گویان، نظام را در رفع مشکلاتی چون: بیکاری، گرانی و تورم، فقرونداری، فساد مالی، تبعیض و نابرابری ناموفق ارزیابی نموده‌اند. بالاترین و پایین‌ترین میانگین به ترتیب مربوط به شهر کامیاران (۴۶/۸٪) و شهر مریوان (۳۶/۴٪) بوده است.

دومین بُعد سرمایه اجتماعی کلان، پنداشت مردم از موفقیت نهادی در انجام وظایف نهادی است. نهادهای مطرح‌شده نهادهایی بوده که عموم مردم به لحاظ ذهنی و عینی از آن‌ها، پنداشت‌ها و دریافت‌هایی دارند. میانگین پنداشت مردم از موفقیت نهادها در انجام وظایف نهادی ۵۰/۸٪ و در حد متوسط ارزیابی می‌شود. بیش از ۶۷٪ از پاسخ‌گویان به ترتیب دولت و مجلس شورای اسلامی و ۵۳/۶٪ قوه قضائیه و دادگاه‌ها را در انجام وظایف نهادی ناموفق ارزیابی نموده‌اند. صداوسیما و مطبوعات، دستگاه‌ها و نهادهای دینی، آموزش عالی (دانشگاه)، نهادهای انتظامی / امنیتی و بازار در مراتب بعدی قرار دارند. بالاترین و پایین‌ترین میانگین به ترتیب مربوط به شهر قروه (۵۷/۲٪) و سنندج (۵۰/۶٪) است.

سومین بُعد سرمایه اجتماعی کلان، پنداشت از نکویی جامعه (تصور و داوری در مورد جامعه نزد اذهان اعضای جامعه) است که با دو شاخص «مطلوب بودن جامعه» و «پنداشت از وجود عدالت و برابری» سنجش گردید. میانگین پنداشت مردم از مطلوب بودن جامعه (میزان احترام به مالکیت خصوصی در جامعه، میزان احترام به حقوق و آزادی قانونی افراد، دوری و پرهیز از پنهان‌کاری و...) ۴۹/۳٪ و در حد پایین ارزیابی می‌شود. بالاترین و پایین‌ترین میانگین به ترتیب مربوط به شهر قروه (۵۶/۵٪) و مریوان (۴۴/۸٪) است. میانگین پنداشت مردم از وجود عدالت و برابری در جامعه ۴۰/۷٪ و در حد پایین ارزیابی می‌شود. بالاترین و پایین‌ترین میانگین به ترتیب مربوط به شهر کامیاران (۴۸/۴٪) و شهر سقز (۳۷/۳٪) است.

چهارمین بُعد سرمایه اجتماعی کلان، ارزیابی از آینده است. ارزیابی اصولاً مبتنی بر نوعی داوری در مورد موفقیت یا عدم موفقیت یک نظام نسبت به وضعیت‌هایی دارد که به نوعی مطلوب‌ها و اهداف مهم را مستتر در خود دارند. وقتی این ارزیابی و داوری، معطوف به آینده یک جامعه می‌شود، بیانگر نوعی امید به آینده از عملکرد و فعالیت یک نظام هم هست. بر مبنای نتایج، میانگین ارزیابی منفی پاسخ‌گویان از آینده ۷۵/۷٪ و در حد زیاد ارزیابی می‌شود. بالاترین میانگین مربوط به سروآباد، قروه و دهگلان و پایین‌ترین میانگین مربوط به سنندج (۶۵/۷٪) است.

میانگین شاخص ترکیبی سرمایه اجتماعی کلان در نزد پاسخ‌گویان ۴۸/۲٪ و در سطح پایین ارزیابی می‌شود. بالاترین و پایین‌ترین میانگین به ترتیب مربوط به قروه (۵۳/۸٪) و سنندج (۴۶/۳٪) است.

جدول ۳. توزیع درصدی فراوانی ابعاد سرمایه اجتماعی کلان

استان	دیواندره	بیجار	بانه	سروآباد	مریوان	کامیاران	دهگلان	قروه	سقز	سنندج	گزینه‌ها	ابعاد سرمایه اجتماعی کلان
۶۴/۳	۶۶/۷	۵۹/۳	۶۳/۳	۷۲/۹	۷۲	۴۰/۴	۶۹/۶	۵۴/۹	۶۸	۷۰/۲	منفی	عملکرد نظام در حل مشکلات
۲۸/۲	۲۱/۱	۳۳/۳	۳۰	۲۲/۹	۲۳	۵۸/۴	۲۱/۷	۳۷/۴	۲۰	۲۱	بینابین	
۷/۵	۱۲/۳	۷/۴	۶/۷	۴/۲	۵	۱/۱	۸/۷	۷/۷	۱۲	۸/۷	مثبت	
۴۱	۴۱/۸	۴۳/۸	۴۰/۴	۳۶/۸	۳۶/۴	۴۶/۸	۳۹/۴	۴۴/۶	۴۰/۲	۳۹/۸	میانگین	شاخص مرکزی
۳۸/۱	۴۳/۱	۳۷/۶	۵۲/۹	۴۰/۴	۵۰/۵	۲۳/۶	۴۰/۴	۱۵/۶	۵۰	۳۸/۴	ضعیف	موفقیت نهادی
۵۶/۳	۵۵/۲	۶۵/۵	۴۱/۶	۵۹/۶	۳۹/۴	۷۴/۲	۴۸/۹	۷۸/۱	۳۹/۸	۵۷/۶	متوسط	در انجام وظایف نهادی
۵/۶	۱/۷	۶/۹	۴/۵	.	۱۰/۱	۲/۲	۱۰/۶	۶/۲	۱۰/۲	۳/۹	مثبت	
۵۰/۸	۴۹/۲	۵۵	۴۷/۶	۴۸/۲	۴۵/۸	۵۲/۸	۴۹/۶	۵۷/۲	۴۹	۵۰/۶	میانگین	شاخص مرکزی
۳۸/۷	۳۷/۵	۳۴/۴	۲۵	۳۷/۵	۵۵	۳۲/۲	۵۲/۱	۱۹/۹	۵۹/۴	۴۳/۱	کم	مطلوب‌بودن جامعه
۵۷/۵	۶۰/۷	۶۸/۳	۷۱/۴	۵۶/۲	۴۰	۶۷/۸	۳۷/۵	۷۶/۶	۳۶/۵	۵۶/۹	متوسط	
۳/۸	۱/۸	۷/۳	۳/۶	۶/۲	۵	.	۱۰/۴	۸/۵	۴/۲	.	زیاد	
۴۹/۳	۵۰/۵	۵۴	۵۲/۸	۴۷/۵	۴۵/۸	۵۰/۲	۴۷/۸	۵۶/۵	۴۶/۵	۴۸/۵	میانگین	شاخص مرکزی
۵۵/۸	۵۶/۱	۵۱/۲	۵۱/۱	۴۹	۶۶/۳	۲۵/۶	۶۰/۴	۴۱/۴	۷۶	۶۲/۵	پایین	عدالت و برابری
۳۱/۳	۲۶/۳	۳۷/۸	۴۰/۹	۳۴/۷	۲۰/۲	۵۵/۶	۳۹/۲	۴۴/۸	۱۵	۲۴/۳	متوسط	
۱۳	۱۷/۵	۱۱	۸	۱۶/۳	۱۳/۵	۱۸/۹	۱۰/۴	۱۳/۸	۹	۱۳/۱	بالا	
۴۰/۷	۴۰/۶	۴۲/۲	۴۰/۹	۴۱/۵	۳۶/۴	۴۸/۴	۳۹/۱	۴۵/۳	۳۷/۳	۳۸/۶	میانگین	شاخص مرکزی
۱۸/۱	۱۷/۲	۱۳/۲	۲۲/۲	۴	۲۰/۱	۳/۳	۱۲	۶	۵/۴	۴۰	منفی	ارزیابی از آینده
۶۸/۸	۶۷/۲	۷۲/۵	۶۶/۷	۷۴	۶۴/۴	۹۰/۲	۶۶	۷۹	۸۶/۶	۵۰/۸	مردد	
۱۳/۱	۵/۵	۱۴/۳	۱۱/۱	۲۲	۱۵/۵	۶/۵	۳۲	۱۵	۸	۹/۲	مثبت	
۷۵/۷	۷۵/۲	۷۹	۷۵/۷	۸۲/۴	۷۰	۷۸/۶	۸۱/۹	۸۱/۹	۷۹	۶۵/۷	میانگین	شاخص مرکزی
۳۹/۱	۴۸/۱	۲۵	۳۹/۸	۴۷/۶	۵۵/۹	۱۷/۳	۴۷/۵	۱۰/۵	۵۵/۴	۴۲/۵	پایین	شاخص ترکیبی
۵۵/۵	۴۰/۷	۶۶/۲	۵۶/۶	۴۷/۶	۳۸/۷	۸۲/۷	۳۷/۵	۷۷/۶	۳۸/۶	۵۶/۲	متوسط	سرمایه اجتماعی کلان
۵/۴	۱۱/۱	۸/۸	۳/۶	۴/۸	۵/۴	.	۱۵	۱۱/۸	۶	۱/۴	بالا	
۴۸/۲	۴۸/۹	۵۱/۲	۴۸/۵	۴۷/۵	۴۲/۹	۵۲/۴	۴۶/۲	۵۲/۷	۴۶/۵	۴۶/۳	میانگین	شاخص مرکزی

۳-۵. سرمایه اجتماعی در سطح میانی

یکی از ابعاد سرمایه اجتماعی در سطح میانی، میزان اعتماد سازمانی است. در اینجا مجموعه‌ای از سازمان‌ها که مردم با آن‌ها سروکار و تعامل بیشتری دارند، مطرح و از پاسخ‌گویان درخواست شد که میزان اعتماد خود را به هر کدام بیان نمایند. همان‌گونه که در جدول ۴، ملاحظه می‌شود، میانگین اعتماد سازمانی در نمونه‌ای از شهروندان استان کردستان ۵۱/۱٪ و در سطح متوسط ارزیابی می‌شود. بالاترین و پایین‌ترین میانگین به ترتیب مربوط به شهرهای کامیاران (۵۶/۷٪) و مریوان (۴۰/۹٪) می‌باشد. کمترین اعتماد سازمانی به ترتیب مربوط به بنگاه معاملات ملکی (۷۴/۱٪)؛ احزاب سیاسی (۷۳/۷٪)؛ دارایی و امور مالیاتی (۶۶/۹٪)؛ شهرداری (۶۶/۷٪)؛ شورای شهر/

روستا (۶۴/۴٪)؛ فرمانداری (۶۲/۷٪)؛ صداوسیما (۶۱/۱٪)؛ و بیشترین اعتماد سازمانی مربوط به مدارس (۳۹٪)؛ خیریه‌ها (۳۶/۹٪) و دانشگاه‌ها (۳۱/۴٪) است.

دومین بُعد سرمایه اجتماعی میانی، کیفیت خدمات سازمانی است. میانگین کیفیت خدمات سازمانی ۵۰/۳٪ و در سطح متوسط ارزیابی می‌شود. بالاترین و پایین‌ترین میانگین اعتماد سازمانی به ترتیب مربوط به کامیاران (۵۶/۱٪) و مریوان (۴۳/۱٪) می‌باشد. شورای شهر (۷۲/۹٪)، شهرداری (۶۹/۶٪)، بنگاه املاک (۶۵٪)، دارایی-امور مالیاتی (۶۴/۸٪)، فرمانداری (۵۸/۸٪)، تعاونی مصرف و مسکن (۵۸/۲٪)، دادگاه و دادسرا (۵۷/۸٪) و صداوسیما (۵۰/۱٪) به لحاظ کیفیت خدمات رسانی در وضعیت نازلی قرار دارند. پاسخ‌گویان کیفیت خدمات رسانی انجمن‌های خیریه (۳۷/۹٪) و بیمارستان‌های خصوصی (۲۹/۵٪) را در سطح زیاد و خیلی زیاد برآورد نموده‌اند.

سومین بُعد سرمایه اجتماعی میانی، میزان آمادگی مردم برای مشارکت و کمک به سازمان‌ها در صورت نیاز است. میانگین آمادگی پاسخ‌گویان به همکاری و کمک به ۱۴ نهاد و سازمان دولتی، ۵۵/۵٪ و در حد متوسط ارزیابی می‌شود. بیشترین آمادگی همکاری سازمانی مربوط به بیجار (۶۵/۵٪) و قروه (۶۵/۱٪) و کمترین آمادگی همکاری سازمانی مربوط به مریوان (۴۷/۷٪) و سروآباد (۵۱/۵٪) و بانه (۵۱/۷٪) می‌باشد. آن دسته از سازمان‌ها و نهادهای دولتی که پاسخ‌گویان (در حد زیاد و خیلی زیاد) حاضر به همکاری و مشارکت با آن‌ها بوده شامل: انجمن‌های خیریه (۴۷/۳٪)، مدارس (۴۲/۵٪) و بیمارستان/درمانگاه (۴۰/۳٪) می‌باشد. کمترین اعلام همکاری و مشارکت سازمانی به ترتیب مربوط به شورای اسلامی شهر (۵۶/۴٪)، پایگاه‌های بسیج (۵۴/۷٪)، فرمانداری و بخشداری (۵۴/۷٪) و دادگاه‌ها و دادسراها (۵۳/۵٪) می‌باشد.

چهارمین بُعد سرمایه اجتماعی میانی، اعتماد تعمیم‌یافته (اعتماد به گروه‌های شغلی و حرفه‌ای) است. میانگین اعتماد به گروه‌های شغلی و حرفه‌ای، ۴۹/۳٪ و در حد پایین ارزیابی می‌شود. بیشترین اعتماد مربوط به کامیاران (۶۰/۳٪) و سپس قروه (۵۷/۱٪) و کمترین اعتماد مربوط به مریوان (۴۴٪) و سقز (۴۴/۴٪) است. بیشترین اعتماد مربوط به معلمان (۴۵/۲٪) و اساتید دانشگاه (۳۵/۳٪) و کمترین اعتماد مربوط به نمایندگان مجلس (۷۷/۷٪)، وزراء (۷۲/۱٪)، مدیران و مسئولان دولتی (۶۶/۹٪) و روحانیون (۶۴/۸٪) بوده است.

پنجمین بُعد سرمایه اجتماعی میانی، عام‌گرایی گروه‌های شغلی و حرفه‌ای است. میانگین عام‌گرایی گروه‌های شغلی و حرفه‌ای، ۵۰/۴٪ و در حد متوسط ارزیابی می‌شود. بیشترین عام‌گرایی گروه‌های شغلی و حرفه‌ای مربوط به پاسخ‌گویان قروه (۵۵/۷٪) است. از منظر پاسخ‌گویان کمترین عام‌گرایی مربوط به نمایندگان مجلس (۶۳/۵٪)،

وزراء (۶۲/۴٪)، مدیران و مسئولان دولتی (۵۷/۹٪) و روحانیون (۵۶/۵٪) و بیشترین عام‌گرایی مربوط معلمان (۲۹/۵٪) و اساتید دانشگاه (۲۵/۵٪) است. ششمین بُعد سرمایه اجتماعی میانی، ویژگی‌ها و ارزش‌های اخلاقی مسئولان است. میانگین برخورداری مسئولان از ویژگی‌ها و ارزش‌های اخلاقی مثبت (عمل به قول و وعده‌ها، احساس مسئولیت، لیاقت و شایستگی، و پایبندی به قانون) ۳۷/۶٪ و در حد پایین ارزیابی می‌شود. این رویکرد به ترتیب در بین شهروندان سقز (۳۳/۶٪) و سنندج (۳۴/۸٪) شدت بیشتری دارد. میانگین برخورداری مسئولان از ویژگی‌ها و ارزش‌های اخلاقی منفی، ۸۴/۵٪ و در حد بالا ارزیابی می‌شود. بیش از ۸۲٪ از پاسخ‌گویان متصف بودن مسئولان به سجایای اخلاقی منفی (قوم و خویش بازی، باندی عمل کردن، سوءاستفاده از مقام و موقعیت، رفتار تبعیض آمیز، کم‌کاری، و دروغ‌گویی) را در حد زیاد و خیلی زیاد برآورد نموده‌اند. رویکرد منفی در نزد پاسخ‌گویان کامیاران (۸۸/۷٪)، سقز (۸۷/۶٪)، سنندج (۸۵/۶٪) و دهگلان (۸۴/۶٪) شدت بیشتری دارد. بر مبنای اطلاعات مندرج در جدول ۴، میانگین سرمایه اجتماعی میانی در نزد پاسخ‌گویان، ۵۱/۹٪ و در سطح متوسط ارزیابی می‌شود. پایین‌ترین میانگین سرمایه اجتماعی میانی مربوط به میوان (۴۵/۸٪) و بالاترین میانگین مربوط به کامیاران (۵۷/۷٪) بوده است.

۴-۵. سرمایه اجتماعی در سطح خُرد

نخستین بُعد سرمایه اجتماعی در سطح خُرد، اعتماد عمومی است. میانگین اعتماد عمومی پاسخ‌گویان ۴۶/۷٪ و در حد پایین ارزیابی می‌شود. بالاترین و پایین‌ترین اعتماد عمومی مربوط به بانه (۵۳٪) و سنندج (۴۳٪) است. دومین بُعد سرمایه اجتماعی خُرد، ویژگی‌ها و ارزش‌های اخلاقی مردم است. از منظر پاسخ‌گویان، میانگین برخورداری مردم از ویژگی‌ها و ارزش‌های اخلاقی مثبت، ۵۱٪ و در حد متوسط ارزیابی می‌شود. این رویکرد به ترتیب در بین شهروندان کامیاران (۵۶/۸٪) و قروه (۵۴/۳٪) شدت بیشتری دارد. میانگین برخورداری مردم از ویژگی‌ها و ارزش‌های اخلاقی منفی، ۷۴٪ و در حد بالا ارزیابی می‌شود. بالاترین و پایین‌ترین میانگین مربوط به سقز (۷۹/۱٪) و قروه (۶۸٪) است. سومین بُعد سرمایه اجتماعی در سطح خُرد، عام‌گرایی اجتماعی (شعاع اعتماد و تعاملات نزدیک و دور، از اعضای خانواده تا غریبه‌ها) است. شعاع اعتماد و تعاملات پاسخ‌گویان، در وهله اول معطوف به خانواده است. میانگین اعتماد و تعامل با اعضای خانواده در نمونه‌های مورد بررسی در استان کردستان، ۹۴/۷٪ و در سطح خیلی زیاد

جدول ۴. توزیع درصدی فراوانی ابعاد سرمایه اجتماعی میانی

استان	دیواندره	بیجار	بانه	سرآباد	مریوان	کامیاران	دهگلان	قروه	سقز	سنندج	گزینه‌ها	ابعاد سرمایه اجتماعی میانی
۴۲/۶	۴۴/۲	۲۸/۸	۵۲/۸	۳۵/۶	۶۵/۶	۲۰/۹	۵۲/۳	۳۷/۴	۵۰	۴۳/۸	پایین	اعتماد سازمانی
۵۳/۳	۵۱/۹	۶۵	۴۴/۹	۶۴/۴	۳۱/۲	۷۷/۹	۴۰/۹	۶۴/۳	۴۷/۸	۵۱/۲	متوسط	
۴/۱	۳/۸	۶/۲	۲/۲	۰	۳/۱	۱/۲	۶/۸	۸/۳	۲/۲	۵	بالا	
۵۱/۱	۴۹/۳	۵۲/۵	۴۶/۶	۴۷/۳	۴۰/۹	۵۶/۷	۴۴/۹	۵۴/۱	۳۷/۷	۴۸/۳	میانگین	شاخص مرکزی
۳۴/۶	۴۱/۴	۱۷/۶	۳۹/۵	۳۶	۵۳/۶	۱۲/۵	۴۵/۷	۱۲/۶	۳۳/۷	۴۰/۷	پایین	کیفیت خدمات سازمانی
۵۹/۲	۳۹/۷	۶۲/۶	۵۷	۶۱/۷	۴۱/۲	۸۴/۱	۳۹/۱	۷۳/۶	۵۷/۱	۵۶	متوسط	
۶/۲	۶/۹	۶/۶	۳/۵	۰	۵/۲	۳/۴	۱۵/۲	۱۳/۸	۹/۲	۳/۳	بالا	
۵۰/۳	۴۹/۲	۵۴/۲	۴۸/۳	۴۸	۴۳/۱	۵۶/۱	۴۸/۲	۵۶/۵	۴۹/۶	۴۹/۸	میانگین	شاخص مرکزی
۲۹/۲	۲۸/۶	۱۰/۵	۳۴/۹	۳۴	۴۹/۵	۱۲	۳۴	۹/۵	۳۵	۳۴/۹	کم	آمدگی کمک به سازمان‌ها
۵۷/۴	۶۰/۷	۵۹/۳	۵۸/۱	۵۹/۶	۳۷/۴	۷۸/۳	۵۱/۱	۶۶/۳	۵۶	۵۴/۶	متوسط	
۱۳/۴	۱۰/۷	۳۰/۲	۷	۶/۴	۱۳/۱	۹/۶	۱۴/۹	۳۴/۲	۹	۱۰/۴	زیاد	
۵۵/۵	۵۵/۱	۶۵/۵	۵۱/۷	۵۱/۵	۴۷/۷	۵۹/۵	۵۲/۷	۶۵/۱	۵۲/۵	۵۳/۷	میانگین	شاخص مرکزی
۴۵	۴۶/۴	۳۳/۸	۴۶/۶	۴۹	۵۷/۱	۱۸/۴	۴۶/۷	۲۲	۶۶/۷	۵۰/۸	کم	اعتماد تممیه‌یافته
۴۹/۷	۵۱/۸	۶۰	۵۱/۱	۴۶/۹	۳۶/۷	۷۵/۹	۴۴/۴	۷۱/۴	۲۶/۳	۴۴/۴	متوسط	
۵/۳	۱/۸	۶/۲	۲/۳	۴/۱	۶/۱	۵/۷	۸/۹	۶/۶	۷/۱	۴/۸	زیاد	
۴۹/۳	۴۹/۸	۵۱/۳	۴۷/۲	۴۹/۳	۴۴۴	۶۰/۳	۴۸/۷	۵۷/۱	۴۴/۴	۴۶/۷	میانگین	شاخص مرکزی
۴۳	۳۴/۶	۳۰/۴	۴۸/۸	۳۷/۱	۵۶/۴	۲۹/۲	۴۷/۸	۳۱/۸	۴۴/۴	۵۵/۸	کم	عام‌گرایی گروه‌های شغلی
۴۷/۸	۵۲/۸	۶۲	۳۹/۳	۵۶/۲	۳۱/۹	۶۶/۳	۴۱/۳	۷۴/۷	۴۱/۱	۳۷/۱	متوسط	
۹/۱	۱۱/۵	۷/۶	۱۱/۹	۱۶/۷	۱۱/۷	۴/۵	۱۰/۹	۳/۴	۱۴/۴	۷/۲	زیاد	
۵۰/۴	۵۲/۳	۵۰/۶	۴۹/۵	۵۶/۱	۴۵/۱	۵۵/۱	۴۸/۱	۵۵/۷	۵۱/۵	۴۶/۹	میانگین	شاخص مرکزی
۳۷/۶	۴۲/۸	۳۷/۷	۳۶/۸	۳۹/۵	۳۹/۶	۳۷/۶	۳۹/۶	۴۱/۲	۳۳/۶	۳۴/۸	مثبت	ارزش‌های اخلاقی مسئولان
۸۴/۵	۸۲/۵	۸۲	۸۴	۷۸/۳	۸۴	۸۸/۷	۸۴/۶	۸۳	۸۷/۶	۸۵/۶	منفی	
۲۹/۴	۳۳/۳	۱۵/۶	۳۴/۸	۳۴	۵۱/۹	۱۵/۲	۳۸	۱۳	۳۳/۷	۳۱/۶	پایین	شاخص ترکیبی سرمایه اجتماعی میانی
۶۵/۸	۶۳/۲	۷۶/۷	۶۲/۹	۷۲	۴۲/۳	۸۲/۶	۵۰	۷۸	۶۴/۴	۶۴/۸	متوسط	
۴/۷	۳/۵	۷/۸	۲/۲	۴	۵/۸	۲/۲	۱۲	۹	۱/۹	۳/۵	بالا	
۵۱/۹	۵۲/۵	۵۵/۷	۵۰/۳	۵۰/۷	۴۵/۸	۵۷/۷	۴۹/۶	۵۶/۹	۵۰/۲	۵۰/۸	میانگین	شاخص مرکزی

طبقه بندی می‌شود. بالاترین میانگین مربوط به قروه (۹۷/۱٪) است. میانگین اعتماد و تعامل با همسایه‌ها و آشنایان (۷۴/۳٪) و در سطح زیاد قرار دارد. بالاترین و پایین‌ترین میانگین به ترتیب مربوط به سقز (۷۹/۵٪) و کامیاران (۵۹/۵٪) است. میانگین اعتماد و تعامل با غیرهمشهری‌ها و غریبه‌ها، ۶۲/۸٪ و در سطح متوسط قرار دارد. بالاترین و پایین‌ترین میانگین به ترتیب مربوط به سرآباد (۶۹٪) و کامیاران (۵۲/۸٪) است. چهارمین بُعد سرمایه اجتماعی خُرد، مشارکت اجتماعی است که در قالب «عضویت انجمنی»، «فعالیت داوطلبانه»، و «مشارکت در حل مشکلات محلی (اقدام جمعی)» سنجش شده است. میانگین عضویت در انجمن‌ها و تشکل‌ها، ۱۹/۳٪ و در سطح خیلی پایین ارزیابی می‌شود. ۸۰٪ پاسخ‌گویان فاقد عضویت در انجمن‌ها هستند. بالاترین میانگین مربوط به سنندج (۲۷/۳٪) و سقز (۲۷٪) و پایین‌ترین میانگین مربوط به

سروآباد (۱۳/۳٪) است. بیشترین عضویت مربوط به صندوق قرض الحسنه دوستی یا خانوادگی (۳۸/۹٪)، انجمن‌های خیریه (۳۴/۸٪)، محیط زیست (۲۴/۳٪) و اولیاء و مربیان (۲۳/۸٪) و کمترین عضویت مربوط به حزب و تشکل سیاسی (۹۷/۱٪) و شورای صنفی (۹۲/۹٪) است. «فعالیت داوطلبانه و عام‌المنفعه» در نزد پاسخ‌گویان، در ۵۲/۲٪ در حد کم، و در ۳۶/۷٪ متوسط و فقط در ۱۱/۱٪ زیاد می‌باشد. میانگین شاخص مشارکت اجتماعی (۳۴/۳٪) و در حد پایین ارزیابی می‌شود. بالاترین و پایین‌ترین میانگین مربوط به سروآباد (۴۱/۹٪) و سنندج (۲۷/۶٪) است.

ششمین بُعد سرمایه اجتماعی خُرد، پده‌بستان اجتماعی است. از پاسخ‌گویان پرسیده شد «آیا شما کسی یا کسانی را می‌شناسید که بتوانید در مواقع نیاز به کمک و مشورت او یا آن‌ها امید داشته باشید؟» قریب به اتفاق پاسخ‌گویان به هنگام نیاز به کمک و مشورت در مسائل مالی، ضمانت وام، بیماری، در اختیار نهادن امکانات (وسيله نقلیه، منزل، باغ و...)، مسائل حقوقی، شغل یابی، به ترتیب به خویشان، دوستان، آشنایان و در آخرین مرحله به همسایگان خود مراجعه می‌نمایند.

هفتمین بُعد سرمایه اجتماعی خُرد، تعلق و عرق ملی است. میانگین عرق ملی در پاسخ‌گویان، ۵۷/۸٪ و در سطح متوسط ارزیابی می‌شود. بالاترین میانگین عرق ملی مربوط به بیجار (۷۱/۵٪) و قروه (۷۰/۹٪) و پایین‌ترین مربوط به سقز (۵۱/۲٪) و سنندج (۵۲/۱٪) است.

هشتمین بُعد سرمایه اجتماعی خُرد، رضایت از زندگی (محل سکونت، شغل و درآمد) است. میانگین رضایت از زندگی در پاسخ‌گویان، ۵۲/۱٪ و در سطح متوسط ارزیابی می‌شود. بالاترین رضایت از زندگی مربوط به سروآباد (۵۶/۳٪) و قروه (۵۶/۲٪) و پایین‌ترین مربوط به سقز (۴۷/۵٪) است.

آخرین بُعد سرمایه اجتماعی خُرد، احساس امنیت (تجربه ناامنی، امنیت جانی و مالی) است. میانگین احساس امنیت در پاسخ‌گویان، ۵۸/۶٪ و در سطح متوسط ارزیابی می‌شود. بالاترین میانگین احساس امنیت مربوط به قروه (۶۳/۷٪) و سروآباد (۶۳/۶٪) و پایین‌ترین مربوط به سقز (۵۰/۲٪) است.

میانگین شاخص ترکیبی سرمایه اجتماعی خُرد در نزد نمونه‌ای از شهروندان استان کردستان ۵۵/۵٪ و در سطح متوسط ارزیابی می‌شود. بالاترین میانگین مربوط به بیجار (۵۸/۸٪) و قروه (۵۸/۳٪) و پایین‌ترین مربوط به سنندج (۵۳/۵٪) است (جدول ۵).

جدول ۵. توزیع درصدی فراوانی ابعاد سرمایه اجتماعی خرد

استان	دیواندره	بیجار	بانه	سرآباد	مریوان	کامیاران	دهگلان	قروه	سقز	سنندج	گزینه‌ها	ابعاد سرمایه اجتماعی خرد
۴۷/۴	۳۲/۸	۴۴	۳۴/۴	۵۲	۶۳/۳	۳۷/۳	۵۶	۳۸	۵۱/۸	۵۶/۲	پایین	اعتماد عمومی
۳۹	۵۱/۷	۳۹/۶	۴۳/۳	۴۰	۲۶/۹	۶۶/۳	۳۴	۵۰	۳۹/۵	۳۰/۴	متوسط	
۱۳/۶	۱۵/۵	۱۶/۵	۲۲/۲	۸	۹/۶	۶/۵	۱۰	۱۲	۱۸/۸	۱۳/۵	بالا	
۳۶/۷	۵۱	۳۸	۵۳	۴۱	۳۳	۵۲	۳۴	۴۹	۴۶	۴۳	میانگین	شاخص مرکزی
۵۱	۵۲/۳	۵۰/۵	۵۳/۳	۵۰/۸	۵۰/۳	۵۶/۸	۵۱	۵۴/۳	۵۰	۴۷/۲	مثبت	ارزش‌های اخلاقی مردم
۷۴	۶۹/۱	۷۸	۷۲/۳	۶۹/۱	۶۹/۴	۷۱/۴	۷۰/۱	۶۸	۷۹/۱	۷۶/۶	منفی	
۹۴/۷	۹۵/۲	۹۶/۷	۹۴/۳	۹۲/۸	۹۱/۹	۹۵/۲	۹۴/۷	۹۷/۱	۹۴/۷	۹۴/۲	خانواده همسایه/آشنایان	میانگین شعاع اعتماد و تعاملات
۷۴/۳	۷۸/۱	۷۷/۶	۷۶/۲	۷۸/۵	۷۵/۲	۵۹/۵	۷۶/۷	۷۴/۳	۷۹/۵	۷۳/۸	غریبه‌ها	
۶۲/۸	۶۲/۸	۶۵/۲	۶۶/۷	۶۹	۶۶/۳	۵۲/۸	۶۶/۱	۶۱/۹	۶۳/۳	۶۱/۴		
۱۹/۳	۲۴	۱۸/۷	۱۸/۳	۱۳/۳	۱۸/۷	۱۹/۸	۲۲	۲۴	۲۷	۲۷/۳	میانگین	عضویت انجمنی
۵۲/۲	۵۲/۹	۳۷/۳	۴۵/۲	۴۷/۸	۴۶/۴	۵۵/۱	۴۴/۲	۵۰	۵۲/۶	۵۸/۳	پایین	فعالیت داوطلبانه
۳۶/۷	۳۹/۴	۳۹/۵	۴۵/۲	۳۰/۴	۴۰/۲	۴۱/۶	۳۷/۲	۳۸/۹	۳۹/۵	۳۴/۳	متوسط	
۱۱/۱	۱۷/۶	۷/۴	۹/۵	۲۱/۷	۱۳/۴	۳/۴	۱۸/۶	۱۱/۱	۱۷/۹	۷/۴	بالا	
۵۴/۹	۵۶/۴	۵۴/۵	۵۵/۸	۵۵/۱	۵۱/۵	۴۹/۴	۵۲/۱	۵۷/۷	۵۳/۳	۵۸	صحبت با همسایگان	اقدام جمعی
۴۷	۴۳/۴	۴۵/۵	۴۲/۹	۴۰/۸	۴۵/۵	۴۹/۴	۴۵/۵	۵۶/۷	۴۹	۴۶/۱	تلفن نامه‌نگاری	
۳۷/۸	۲۸/۳	۲۳/۹	۱۸/۲	۲۸/۶	۲۳/۸	۵۴/۵	۳۳/۳	۳۳	۲۳/۴	۲۳/۳	مراجعه به ادارات	
۳۸/۴	۴۹/۱	۳۹/۹	۳۶/۴	۴۲/۹	۳۸/۶	۴۲/۷	۴۱/۷	۴۱/۲	۴۵/۷	۲۸/۸		
۶۴/۹	۶۳	۶۹/۱	۶۸/۹	۵۵/۶	۶۶	۵۵/۳	۵۶/۱	۵۶/۷	۶۰/۹	۷۲/۷	پایین	مشارکت اجتماعی
۳۹/۵	۳۰/۴	۲۲/۲	۲۹/۷	۳۱/۱	۳۷/۷	۴۲/۴	۲۶/۸	۳۱/۱	۳۴/۵	۲۵/۹	متوسط	
۵/۶	۶/۵	۸/۶	۱/۴	۱۳/۳	۶/۴	۲/۴	۱۷/۱	۱۲/۲	۴/۶	-/۹	بالا	
۳۴/۳	۳۴/۷	۳۳/۶	۳۳/۸	۴۱/۹	۳۲/۵	۴۰/۴	۳۸/۵	۳۹/۱	۳۶/۲	۳۷/۶	میانگین	شاخص مرکزی
۲۸/۸	۳۱/۶	۱۰/۵	۳۵/۳	۳۸/۸	۳۷	۳/۴	۲۳/۹	۶/۳	۳۵/۶	۴۲/۴	پایین	عرق ملی
۴۷/۶	۴۵/۶	۴۴/۲	۴۷/۱	۴۰/۸	۴۳	۸۶/۵	۴۱/۳	۵۶/۸	۵۱	۳۵/۴	متوسط	
۲۳/۶	۲۲/۸	۴۵/۳	۱۷/۶	۲۰/۴	۲۰	۱۰/۱	۳۴/۸	۳۶/۸	۱۳/۵	۲۲/۲	بالا	
۵۷/۸	۵۲/۸	۷۱/۵	۵۴/۲	۵۳	۵۴	۶۴/۳	۶۵/۲	۷۰/۹	۵۱/۲	۵۲/۱	میانگین	شاخص مرکزی
۳۹/۷	۴۴/۶	۴۰	۵۰	۲۸/۶	۴۳/۹	۲۵/۶	۴۲/۹	۳۳/۸	۴۹/۵	۳۷/۴	پایین	رضایت از زندگی
۴۷/۴	۴۸/۲	۴۱/۵	۳۵/۷	۵۵/۱	۴۸	۶۹/۸	۳۵/۷	۴۲/۹	۴۴/۳	۴۸/۱	متوسط	
۱۲/۹	۷/۱	۱۸/۵	۱۴/۳	۱۶/۳	۸/۳	۴/۷	۲۱/۴	۲۳/۴	۲۳/۴	۱۴/۶	بالا	
۵۲/۱	۴۹/۵	۵۲	۴۹/۸	۵۶/۳	۴۸/۵	۵۵/۵	۵۱/۹	۵۶/۲	۴۷/۵	۵۳/۶	میانگین	شاخص مرکزی
۲۰/۳	۵/۳	۱۴	۱۵/۱	۱۴/۳	۲۶/۷	۶/۸	۲۵	۷/۴	۴۵/۵	۲۴/۹	پایین	احساس امنیت
۶۳/۵	۷۳/۷	۶۲/۸	۶۸/۶	۵۹/۲	۵۸/۴	۸۹/۸	۵۶/۲	۷۰/۵	۳۶/۵	۵۸/۹	متوسط	
۱۶/۲	۲۱/۱	۲۳/۳	۱۶/۳	۲۶/۵	۱۴/۹	۳/۴	۱۸/۸	۲۲/۱	۷/۹	۱۶/۲	بالا	
۵۸/۶	۶۲/۵	۶۲/۴	۵۸/۳	۶۳/۶	۵۷/۷	۵۸/۱	۵۹/۴	۶۳/۷	۵۰/۲	۵۷/۴	میانگین	شاخص مرکزی
۲/۵	۰	۲/۷	۲/۹	۰	۶/۸	۱/۴	۷/۷	۱/۲	۰	۲/۴	پایین	شاخص ترکیبی سرمایه اجتماعی خرد
۴۵/۹	۵۲/۶	۳۳/۸	۴۰	۵۲/۳	۴۰/۹	۶۱/۶	۳۳/۳	۳۷/۳	۴۸/۶	۵۱/۲	متوسط	
۵۱/۵	۴۷/۴	۳۶/۵	۵۷/۱	۴۷/۷	۵۲/۳	۳۷	۵۹	۶۱/۴	۵۱/۴	۴۶/۳	بالا	
۵۵/۵	۵۵/۷	۵۸/۸	۵۶/۴	۵۵/۱	۵۴/۴	۵۴/۱	۵۶/۳	۵۸/۳	۵۵/۹	۵۳/۵	میانگین	شاخص مرکزی

۵-۵. وضعیت سرمایه اجتماعی بر حسب ویژگی‌های اجتماعی و زمینه‌ای

بر اساس نتایج تحلیل واریانس می‌توان تشخیص داد که آیا به طور کلی تفاوت معناداری در میانگین سرمایه اجتماعی پاسخ‌گویان با لحاظ ویژگی‌های اجتماعی و جمعیت‌شناختی وجود دارد یا خیر؟

بر مبنای اطلاعات مندرج در جدول ۶، رابطه مذهب با سرمایه اجتماعی: با وجود پیشی گرفتن میانگین سرمایه اجتماعی پاسخ‌گویان اهل تشیع بر اهل تسنن، تفاوت سرمایه اجتماعی معنادار نمی‌باشد.

رابطه جنسیت با سرمایه اجتماعی: میانگین سرمایه اجتماعی پاسخ‌گویان مرد بیشتر از پاسخ‌گویان زن است و تفاوت شاخص سرمایه اجتماعی در بین زنان و مردان معنادار است.

رابطه محل سکونت با سرمایه اجتماعی: با وجود پیشی گرفتن میانگین سرمایه اجتماعی، پاسخ‌گویان ساکن روستا بر پاسخ‌گویان ساکن شهر، تفاوت سرمایه اجتماعی معنادار نمی‌باشد.

رابطه رده سنی با سرمایه اجتماعی: با بالا رفتن سن پاسخ‌گویان، میانگین سرمایه اجتماعی افزایش یافته است. تفاوت شاخص سرمایه اجتماعی در بین رده‌های سنی مختلف معنادار است.

رابطه وضع تأهل با سرمایه اجتماعی: میانگین سرمایه اجتماعی پاسخ‌گویان متأهل بیشتر از پاسخ‌گویان مجرد و مطلقه است. تفاوت شاخص سرمایه اجتماعی بر حسب وضع تأهل معنادار است.

رابطه سواد با سرمایه اجتماعی: هرچند میانگین سرمایه اجتماعی پاسخ‌گویان با سطح تحصیلات دیپلم و به بالا، بیشتر از سرمایه اجتماعی پاسخ‌گویان با سطح تحصیلات زیر دیپلم است. اما در مجموع با کسب مدارج تحصیلی دانشگاهی (کارشناسی و به بالا) میانگین سرمایه اجتماعی کاهش پیدا کرده است. سرمایه اجتماعی دارندگان تحصیلات کارشناسی ارشد و دکتری، کمتر از میانگین سرمایه اجتماعی لیسانس و فوق دیپلم است. تفاوت شاخص سرمایه اجتماعی بر حسب سواد معنادار است.

رابطه وضع فعالیت با سرمایه اجتماعی: میانگین سرمایه اجتماعی افراد شاغل بیشتر از افراد بیکار است. میانگین سرمایه اجتماعی افراد شاغل، دانشجوی و بازنشسته بر میانگین سرمایه اجتماعی افراد بیکار و افراد خانه‌دار پیشی گرفته است. تفاوت شاخص سرمایه اجتماعی بر حسب وضع فعالیت معنادار است.

جدول ۶. تحلیل واریانس سرمایه اجتماعی بر حسب ویژگی‌های اجتماعی و زمینه‌ای

سطح معناداری	آزمون F	میانگین سرمایه اجتماعی	ویژگی‌های اجتماعی	
			مذهب	جنسیت
۰/۶۰۹	۰/۲۶۱	۴۷۶/۲	اهل سنت	مذهب
		۵۲۳/۱	اهل تشیع	
۰/۰۰۲	۲/۶۲	۵۱۴/۲	مرد	جنسیت
		۳۵۲/۵	زن	
۰/۳۸۱	۰/۷۶۹	۴۸۳/۵	شهر	محل سکونت
		۵۱۸/۱	روستا	
۰/۰۰۱	۳/۷۸	۳۴۹/۶	۲۰ تا ۳۰ سال	رده سنی
		۴۹۰/۶	۳۱ تا ۴۱ سال	
		۵۲۳/۷	۴۲ تا ۵۴ سال	
۰/۰۰۳	۳/۱۸	۴۷۰/۳	مجرد	وضع تأهل
		۴۹۸/۵	متاهل	
		۴۴۸/۵	مطلقه/همسرفوت کرده	
۰/۰۰۰	۳/۶۸۳	۴۸۶	بی سواد	سواد
		۴۷۴/۷	سواد ابتدایی	
		۴۷۰/۱	سواد راهنمایی	
		۴۷۵/۶	متوسطه	
		۳۹۰/۷	دیپلم	
		۵۰۲/۷	فوق دیپلم	
		۴۹۴/۶	لیسانس	
		۴۶۵/۳	فوق لیسانس	
		۳۵۵/۵	دکتری	
۰/۰۰۱	۳/۹۵	۴۹۰/۶	شاغل	وضع فعالیت
		۳۰۳/۴	بیکار	
		۳۴۱/۳	خانه‌دار	
		۴۸۱/۵	دانشجو	
		۵۲۸/۷	بازنشسته	

۶. بحث و نتیجه‌گیری

سرمایه اجتماعی صرفاً یک سازه نظری نیست، بلکه یک سازه سیاستی نیز به شمار می‌رود و از این حیث، امروزه جایگاه رفیعی در سیاست‌گذاری عمومی و اجتماعی پیدا کرده است. چنین اهمیتی موجب گشته است تا سنجش سرمایه اجتماعی جامعه به مثابه نبض سنجی اجتماعی تلقی گردد و بر مبنای داده‌های حاصل از پیمایش‌های سرمایه اجتماعی، تغییرات، جهت و آهنگ تغییرات جامعه در ساحت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی و نیز پیامدهای سیاست‌گذاری عمومی و اجتماعی شناسایی و تحلیل می‌شود (مرکز ملی رصد اجتماعی شورای اجتماعی کشور، ۱۳۹۴: ۲).

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که میانگین سرمایه اجتماعی نمونه‌ای از شهروندان استان کردستان حدود ۵۲٪ است و شدت قابل توجهی ندارد. پایین‌ترین میانگین مربوط به سرمایه اجتماعی کلان (۴۸/۲٪) است. یکی از وجوه اصلی سرمایه اجتماعی کلان، فهم و پنداشت شهروندان از عملکرد نظام در رفع و حل مشکلات جامعه است. یافته‌ها نشان از سایه افکندن جو، شک و تردید نسبت به عملکرد نظام در حل مشکلات جامعه و ضعف عملکردی نهادها و سازمان‌های اجرایی در ایفای وظایف نهادی دارد. میانگین سرمایه اجتماعی میانی پاسخ‌گویان (۵۲٪) و در مرتبه دوم قرار دارد. بالاترین میانگین مربوط به سطح خرد سرمایه اجتماعی (۵۵/۵٪) بود.

یکی از شاخص‌های ارزیابی موفقیت نظام سیاسی در حل مشکلات جامعه، کم‌وکیف عملکرد نهادها و دستگاه‌های اجرایی است. ضعف عملکردی دستگاه‌های اجرایی ازمنظر پاسخ‌گویان، میزان مقبولیت و مشروعیت نظام را در اذهان عمومی دستخوش تغییر ساخته است. احترام به خواسته‌های مردم، که به طرق مختلف به حاکمیت منتقل می‌شود، و انجام اصلاحات در جهت از بین بردن مقاومت در برابر خواسته‌های مردم در کردستان ضروری به نظر می‌رسد.

یکی از شاخص‌های اصلی سرمایه اجتماعی در سطح میانی، کیفیت خدمات‌رسانی نهادها و دستگاه‌های اجرایی است. بر مبنای نتایج، عموماً پاسخ‌گویان رضایت چندانی از خدمات‌رسانی دستگاه‌های اجرایی ندارند و کیفیت آن را پایین ارزیابی نموده‌اند. نظر به ارتباط کیفیت خدمات‌رسانی با اعتماد سازمانی و میزان تمایل و آمادگی مردم به مشارکت و پیوند با دستگاه‌های اجرایی، ارزیابی عملکرد دستگاه‌های اجرایی در استان کردستان، بایستی جدی‌تر از گذشته صورت پذیرد.

یکی از موضوعات مورد بررسی در سطح میانی سرمایه اجتماعی، «میزان عام‌گرایی گروه‌های شغلی و حرفه‌ای» بود. بر مبنای یافته‌ها، جهت‌گیری‌های معرفتی و کرداری گروه‌های شغلی و حرفه‌ای و در رأس آن دستگاه‌های اجرایی سمت‌وسوی خاص‌گرایانه پیدا کرده است. این مسأله قبل از هر چیز مؤید ضعف مسئولیت‌پذیری اجتماعی و تعلق اجتماعی عام است. ضعف عام‌گرایی، منافع جمعی عام را تحت الشعاع قرار می‌دهد و جامعه را در مواقع روبه‌رو شدن با مخاطرات مختلف طبیعی، اقتصادی و اجتماعی به شدت آسیب‌پذیر می‌نماید.

آهنگ و مختصات توسعه در جامعه، بی‌ارتباط با وضعیت سرمایه اجتماعی نیست. قوام و دوام سرمایه اجتماعی به مثابه شاخص فعال بودن جامعه، در بسط، تحکیم و پایدار بودن توسعه و مسیر توسعه مؤثر است. بر مبنای مطالعات و پیمایش‌های موجود، استان کردستان به لحاظ شاخص‌ها و شناسه‌های توسعه جزو مناطق کم‌برخوردار محسوب می‌شود. بر مبنای یافته‌های پژوهش حاضر، پاسخ‌گویان وجود عدالت و برابری را در جامعه در سطح پایین

ارزیابی نموده‌اند و بر این باورند که نظام تدبیر در حل مشکلات جامعه موفقیت‌چندانی به دست نیاورده است و به لحاظ عملکردی نهادها و سازمان‌های اجرایی در ایفای وظایف نهادی خود ضعیف و ناتوان عمل نموده‌اند و همین مسأله موجب گشته است تا در مجموع نسبت به بهبود امور در آینده بدبین باشند. به باور اکثر پاسخ‌گویان، وضعیت وضعیت رفاهی، فقر و نداری، وضعیت نابرابری اجتماعی، و وضعیت جرم و جنایت در جامعه بدتر می‌شود. ادبیات نظری و تجربی مؤید آن است که توسعه اثر مؤثر و تقویت‌کننده‌ای بر سرمایه اجتماعی به‌ویژه سرمایه نهادی و جدید دارد (قادرزاده و معیدفر، ۱۳۸۹: ۱۱۹)؛ از این رو، تعدیل نقاط افتراق، تضاد و تعارض در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی با هدف کاهش نابرابری‌های اجتماعی و بسط عدالت اجتماعی، رفع موانع موجود بر سر راه سرمایه‌گذاری در استان کردستان، تعریف جایگاه استان کردستان در تقسیم‌کار ملی، تسهیل گردش نخبگان و ضرورت به‌کارگیری نیروهای متخصص و کارآمد ضروری به نظر می‌رسد.

بر مبنای نتایج، شعاع اعتماد و تعاملات پاسخ‌گویان، در وهله اول معطوف به خانواده بوده است. بر این اساس، خانواده به‌مثابه کانون امن و حامی از فرد جایگاه محوری در نزد پاسخ‌گویان دارد. باید بپذیریم بخش قابل توجهی از مسئولیت‌های اجتماعی با شانه خالی کردن دولت‌ها بر دوش خانواده سنگینی می‌کند. به دلیل زوال اعتماد عمومی و از همه مهم‌تر ضعف شبکه‌های اجتماعی حمایتی و جایگاه جنینی نهادهای مدنی و سمن‌ها در استان کردستان، خانواده در حال حاضر نقش بی‌بدیلی را ایفا می‌نماید و همین مسأله حمایت نهادی و نمادین از خانواده را دو چندان می‌نماید.

جایگاه محوری خانواده و سپس همسایه‌ها و آشنایان در گستره اعتماد و تعامل پاسخ‌گویان نشان از قوت سرمایه اجتماعی خرد دارد. در کنار حمایت نهادی از خانواده، بازسازی و ترمیم مناسبات محله‌ای و فراهم آوردن زمینه‌های تشکلیابی در سطح محله‌ای و تقویت شورایار محله‌ای در شدت بخشیدن به مناسبات عاطفی و اجتماعی در نزد همسایگان و پی‌ریزی شبکه‌های اجتماعی ضروری به نظر می‌رسد.

یکی از سطوح مشارکت اجتماعی، عضویت انجمنی است. بر مبنای نتایج، ۸۰٪ پاسخ‌گویان فاقد عضویت در انجمن‌ها و نهادهای مدنی بودند. نقش آفرینی سازمان‌های مردم‌نهاد در بازسازی پیوندهای اجتماعی، تقویت همکاری‌های جمعی و مشارکت اجتماعی و ترمیم مناسبات مردم با حاکمیت انکارناپذیر است. به هر میزان نهادهای مدنی در جامعه بیشتر شوند، سرمایه‌های اجتماعی افزایش می‌یابد. ارتباطات، اعتماد، دوستی، مشارکت و گنش‌ورزی عقلانی از تولیدات مؤثر سازمان‌های مردم‌نهاد است. نتایج پژوهشی معطوف به بازسازی معنایی تجربه و درک فعالان مدنی در سنج، مؤید آن است که سمن‌ها به‌مثابه مجربایی برای مشارکت و هم‌بستگی اجتماعی، تغییر فرهنگی و اجتماعی و پل ارتباطی

ذی نفعان و دستگاه‌های اجرایی عمل نموده‌اند، دارد (قادرزاده و کریمی، ۱۳۹۹: ۲۰۳). یافته‌های مطالعه حاضر نشان داد، که میانگین سرمایه اجتماعی در رده سنی ۲۰ تا ۳۰ سال، به مراتب پایین‌تر از سایر رده‌های سنی است. رده سنی ۲۰ تا ۳۰ سال، با دوره جوانی تداعی می‌شود. بر مبنای نتایج پژوهش حاضر، جوانان بر این باورند که وضعیت اقتصادی، نابرابری اجتماعی، فقر و نداری، و رفاهی جامعه در آینده فرقی نمی‌کند و سیر بهبودی به خود نمی‌گیرد. غلبه شک و تردید و بدبینی بر احساس و پنداشت جوانان، قبل از هر چیز، گسست ارزشی و هنجاری را به دنبال خواهد داشت. «گسست ارزشی و هنجاری در جوانان، به دو شیوه جهت‌گیری‌های انفعالی (بی‌تفاوتی اجتماعی، انزوای اجتماعی و گرفتار آمدن در دام روان‌گردان‌ها، اعتیاد و خودکشی) و جهت‌گیری‌های فعالانه و رادیکال که قابلیت ساختار شکنانه را در خود دارد (رفتارهای وندالیستی و...) نمود پیدا می‌کند» (قادرزاده و رادمان، ۱۳۹۷: ۷۱). بر این اساس، تعدیل زمینه‌های فشار ساختاری در جامعه ضرورتی انکارناپذیر به کف آورده است.

واکاوی رابطه وضع فعالیت با سرمایه اجتماعی، نشان داد که میانگین سرمایه اجتماعی افراد شاغل بیشتر از افراد بیکار است. هم‌چنین، میانگین سرمایه اجتماعی افراد شاغل، دانشجوی و بازنشسته بر میانگین سرمایه اجتماعی افراد بیکار و افراد خانه‌دار پیشی گرفته است. این مسأله مؤید تأثیرپذیری شاخص سرمایه اجتماعی از بهره‌مندی از سرمایه اقتصادی است. دشواری‌های اقتصادی و نرخ بالای بیکاری که رشد اقتصاد غیررسمی را نیز در کردستان در پی داشته است، میدان تعاملات و شعاع اعتماد عمومی و نهادی را در استان کردستان تنزل بخشیده و چندپارگی اجتماعی و فرهنگی و سیاسی را تقویت نموده است.

واکاوی رابطه سواد با سرمایه اجتماعی حاوی نکات قابل تأملی است؛ بر مبنای نتایج، میانگین سرمایه اجتماعی افراد باسواد بیشتر از افراد بی‌سواد و افراد با سواد زیر دیپلم است. اما سرمایه اجتماعی افراد با تحصیلات کارشناسی ارشد و دکتری به مراتب کمتر از دارندگان کارشناسی و فوق دیپلم و سرمایه اجتماعی دارندگان مدرک کارشناسی کمتر از فوق دیپلم است. بر مبنای ادبیات نظری، سرمایه فرهنگی (مدارج دانشگاهی به عنوان یکی شاخص‌های سرمایه فرهنگی)، قابلیت تبدیل‌پذیری به سرمایه اقتصادی را دارد. ساختارزدایی اجتماعی و فرهنگی از آموزش و پژوهش در دانشگاه، اختلال در تبدیل‌پذیری سرمایه فرهنگی افراد با تحصیلات تکمیلی به سرمایه اقتصادی، اختلال در چرخش نخبگان، زوال سرمایه اجتماعی افراد با تحصیلات تکمیلی (کارشناسی ارشد و دکتری) را در پی داشته است.

سرمایه اجتماعی، صرفاً یک سازه نظری نیست؛ بلکه یک سازه سیاسی نیز به شمار می‌رود. با نظر به یافته‌های پژوهش حاضر، ضمن بیان آسیب‌ها و مخاطرات،

راهبردها، برنامه‌ها و مجریان بهبود و ارتقای میزان سرمایه اجتماعی در سطوح سه‌گانه آن در استان گوردستان در قالب جدول ۷، پیشنهاد می‌شود.

جدول ۷. آسیب‌ها، راهبردها و برنامه‌های تقویت سرمایه اجتماعی در استان گوردستان

عنوان برنامه	راهبرد	آسیب	مجری برنامه
<p>۱. عملیاتی نمودن پیوند بخش حاکمیتی-اجرایی، بخش خصوصی و نهادهای مدنی و مراکز آموزشی و پژوهشی) و ارائه برنامه عملیاتی و مشارکت در جهت حل مشکلات اولویت دار جامعه؛</p> <p>۲. کارانمودن نهادهای حاکمیتی و مقابله با مناسک‌گرایی و تصلب نهادی؛ ۳. تقویت استقلال نهادهای حاکمیتی از اشخاص و جریان‌های سیاسی؛ ۴. تقویت شفافیت و پاسخ‌گویی نهادهای حاکمیتی؛ ۵. به رسمیت شناختن احزاب سیاسی و مهیا نمودن بسترهای کنشگری احزاب سیاسی؛ ۶. اصلاح نهادی به مثابه ضرورت؛ ۷. تئور افکارعمومی و انعکاس مداوم عملکرد و اهتمام نهادهای حاکمیتی در جهت رفع مشکلات جامعه</p>	<p>ترمیم پنداشت جامعه از عملکرد نهادهای حاکمیتی</p>	<p>پنداشت منفی از عملکرد نظام در رفع و حل مشکلات</p>	<p>شبکه ملی جامعه و دانشگاه؛ بنیاد نخبگان؛ آموزش و پرورش و مراکز دانشگاهی و حوزه‌های علمی؛ صدا و سیما، مطبوعات؛ احزاب سیاسی؛ سازمان‌های مردم نهاد؛ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی؛ مجلس شورای اسلامی، مرکز پژوهش‌های مجلس، مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک و...</p>
<p>۱. کارانمودن نظارت و ارزیابی بر عملکرد دستگاه‌های اجرایی و پاسخگویی به شکایات؛</p> <p>۲. ارائه گزارش‌های ماهیانه از نحوه و کیفیت خدمات‌رسانی دستگاه‌های اجرایی؛ ۳. پرهیز از کلیشه‌ای شدن میز خدمت و اعتباربخشی به مفهوم خدمت‌سازمانی</p>	<p>۱. ارتقای عملکرد دستگاه‌های اجرایی</p> <p>۲. تقویت پاسخگویی، شفافیت، چابک‌سازی، کارایی و شایسته‌سالاری سازمانی</p>	<p>نارضایتی از خدمات‌رسانی نهادها/ دستگاه‌های اجرایی</p>	<p>واحد نظارت و ارزیابی بر عملکرد دستگاه‌های اجرایی و پاسخگویی به شکایات استاندارد؛ نهادهای نظارتی؛ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی</p>
<p>۱. کاهش هزینه‌های فعالیت مدنی در استان گوردستان؛ ۲. آسیب‌شناسی جایگاه نهادهای مدنی در نظام تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی؛ ۳. آسیب‌شناسی عملکرد سمن‌ها؛ ۴. آسیب‌شناسی شوراهای دانش‌آموزی و انجمن اولیا و مربیان و خیرین مدرسه‌ساز به‌عنوان مجاری تقویت مشارکت اجتماعی</p>	<p>۱. فرهنگ‌سازی</p> <p>۲. تقویت جایگاه نهادهای مدنی</p> <p>۳. ترغیب مشارکت مدنی</p> <p>۴. ساخت فرصت‌های سیاسی و تقویت اعتماد نهادی به سمن‌ها</p>	<p>ضعف مشارکت انجمنی</p>	<p>آموزش و پرورش؛ مدیرکل امور اجتماعی استانداری؛ بهزیستی؛ اداره کل ورزش و جوانان؛ هلال احمر</p>
<p>۱. بازسازی/ ترمیم مناسبات محله‌ای</p> <p>۲. فراهم آوردن زمینه‌های تشکل‌یابی در سطح محله‌ای</p> <p>۳. تقویت شورا یارمحله‌ای</p>	<p>تقویت سرمایه اجتماعی قدیم</p>	<p>تضعیف مناسبات همسایگی و محله‌ای</p>	<p>امور اجتماعی استانداری؛ امور روستایی و شوراهای شورا شهر و شهرداری‌ها</p>

<p>پایین بودن اعتماد به گروه‌های شغلی و حرفه‌ای</p>	<p>بازسازی اعتماد به نمایندگان مجلس؛ هیئت دولت؛ مدیران دولتی؛ روحانیون و کارکنان اجرایی</p>	<p>۱. توانمندسازی و دانش‌افزایی گروه‌هایی شغلی و حرفه‌ای؛ ۲. تقویت مسئولیت‌پذیری و رسالت اجتماعی گروه‌های شغلی و حرفه‌ای؛ ۳. پرهیز از مناسکی شدن تریبون مساجد و بازتعریف رسالت اجتماعی و تقویت لنز اقتصادی، سیاسی و اجتماعی روحانیون؛ ۴. ضرورت بازنگری جایگاه شوراهای اسلامی شهر و روستا به عنوان پارلمان محلی؛ ۵. بسط ساخت فرصت‌های سیاسی و فراهم آوردن امکان رقابت سیاسی برای افراد و شخصیت‌های توانمند، معتمد، کارا و مجرب و بهره‌مند از سرمایه اجتماعی در کارزار انتخاباتی مجلس شورای اسلامی؛ ۶. ارتقای حساسیت عمومی نسبت به انتخاب اعضای شوراهای و ترغیب به مشارکت در شوراهای</p>
<p>زوال اعتماد به دیگر اجتماعات قومی و مذهبی (فاصله بین قومی)</p>	<p>۱. به رسمیت شناختن شهروندی متمایز در ایران ۲. تعدیل حساسیت‌های بین فرهنگی</p>	<p>۱. تهیه پیوست فرهنگی و اجتماعی برای کلیه برنامه‌ها؛ ۲. بازنمایی فرهنگ و هنر کردستان در سطح ملی و فراملی فراهم آوردن فرصت بازنمایی برای کردها در گستره ملی؛ ۳. تقویت جشنواره‌ها و رویدادهای فرهنگی-اجتماعی و مسابقات ورزشی؛ ۴. میزبانی جشنواره‌ها و مسابقات ملی در کردستان با هدف ارتقای شناخت از کردستان و تقویت روابط بین فرهنگی</p>
<p>زوال اعتماد اجتماعی</p>	<p>۱. مدیریت آسیب‌های اجتماعی ۲. خشونت‌زدایی در عرصه‌های عمومی</p>	<p>۱. برگزاری کارگاه‌های اجتماعی با موضوع مدیریت آسیب‌ها و مسائل اجتماعی؛ ۲. مشارکت دادن مراجع اقتدار محلی و نهادهای مدنی در ترمیم اعتماد عمومی؛ ۳. شناسایی مکان‌ها و نقاط تنش‌زا و با سابقه خشونت عربان (در سطح محلات و شهرها)؛ ۴. ضرورت نظارت بیشتر بر اصناف و تقویت وجدان کاری</p>
<p>بدبینی به مسئولان اجرایی</p>	<p>۱. ترمیم بیگانگی سیاسی و شکاف دولت-ملت ۲. مدیریت مسالمت آمیز، منطقی و عالمانه تضادهای اجتماعی</p>	<p>۱. پرهیز و مقابله جدی با انتصابات جناحیبرنامه-محوری مبنای بکارگیری مدیران؛ ۲. تسهیل گردش نخبان کرد؛ ۳. بکارگیری نیروهای شایسته و متخصص و برخوردار از اعتبار اجتماعی کرد در مناصب اداری و اجرایی در گستره ملی؛ ۴. اיתنای فعالیت دستگاه‌های اجرایی و به ویژه نیروی انتظامی و هنگ مرزی بر نظم انسجامی (پاسخگویی و شفافیت با رویکرد مشارکت اجتماعی و دخالت دادن نهادهای مدنی و اجتماعی و مراجع اقتدار محلی در براساخت نظم اجتماعی) و برخورد عملگرایانه و نه شکلی با پلیس جامعه محور و پرهیز از نظم انتظامی؛ ۵. برخورد جدی/عملی با زمین‌ها و مصادیق فساد اداری</p>

پی‌نوشت

۱. جامعه آماری طرح ملی سنجش سرمایه اجتماعی کشور (خرداد ۱۳۹۴)، تنها معطوف به مراکز استان‌های کشور از جمله شهر سنندج بوده است. در پژوهش حاضر، علاوه بر شهر سنندج، ۹ مرکز شهری دیگر در استان کردستان مورد بررسی قرار گرفته است. در بازه زمانی ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۹ جامعه ایران به تاسی از سیاست‌های فراملی و ملی با رویدادها و مخاطرات عدیده‌ای (نظیر، شدت یافتن تحریم‌های بین‌المللی، گران شدن بنزین، تورم افسارگسیخته، بیکاری، افزایش سرسام‌آور حجم نقدینگی در جامعه، نوسانات بازار، رشد آسیب‌های اجتماعی، ناآرامی‌های داخلی، پاندمی کوید ۱۹، بحران‌های طبیعی (نظیر سیل، خشکسالی و...) روبه‌رو بوده است که قابل مقایسه با قبل از ۱۳۹۴ نمی‌باشد. سنجش سرمایه اجتماعی مجرای برای شناخت تأثیرات و پیامدهای سیاست‌ها و رویدادهای یاد شده بر پنداشت عامه مردم از عملکرد نظام تدبیر، وضعیت انسجام و دورنمای نظم اجتماعی در گستره جامعه ایران و استان کردستان فراهم می‌آورد.

2. Almond & Verba
3. Lipset
4. Krishna
5. Woolcock
6. Laitin
7. Edwards and Foley
8. Rothstein
9. Levi
10. Tarrow
11. Brehem and Rahen
12. Knack and Keefer
13. Schneider
14. Wade
15. relative need
16. Walzer

۱۷. بر مبنای فرمول حجم نمونه کوکران و درصد شهرستان.
۱۸. با رعایت قاعده تجربی دواس.

کتابنامه

- باقری، مهدیه؛ صدیق اورعی، غلامرضا؛ و یوسفی، علی، (۱۳۹۷). «مسأله تعامل اجتماعی در جامعه ایران؛ بازکاوی مشکلات تعامل در مجموعه مقالات گزارش وضعیت اجتماعی ایران». مسائل اجتماعی، شماره ۱۰ (۱)، صص: ۸۰-۵۳.
- پاتنام، رابرت، (۱۳۸۰). دموکراسی و سنت‌های مدنی. مترجم: محمدتقی دلفروز، تهران: روزنامه سلام.
- پاتنام، رابرت، (۱۳۸۴). «جامعه برخوردار، سرمایه اجتماعی زندگی عمومی». در: کیان تاجبخش، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، مترجم: افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: شیرازه.
- جمالی، فیروز؛ پورمحمدی، محمدرضا؛ و قنبری، ابوالفضل، (۱۳۸۸). «تحلیلی بر روند نابرابری در نقاط شهری استان‌های ایران (۱۳۶۵-۱۳۸۵)». تحقیقات جغرافیایی، شماره ۲۴ (۹۵)، صص: ۲۸-۱.
- چلبی، مسعود، (۱۳۹۳). تحلیل نظری و تطبیقی در جامعه‌شناسی. تهران: نی.

- چلبی، مسعود؛ و مبارکی، محمد، (۱۳۸۴). «تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و جرم در سطوح خرد و کلان». مجله جامعه‌شناسی ایران، شماره ۶ (۲)، صص: ۴۴-۳.
- دواس، دی. ای.، (۱۳۸۱). پیمایش در تحقیقات اجتماعی. مترجم: هوشنگ ناییبی، تهران: نی.
- دورکیم، امیل، (۱۳۸۱). تقسیم‌کار اجتماعی. مترجم: باقر پرهام، تهران: مرکز.
- رفیع‌پور، فرامرز، (۱۳۸۸). سرطان اجتماعی فساد. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- روشنفکر، پیام، (۱۳۸۵). «سرمایه جدید، فردگرایی و بعد اخلاقی سرمایه اجتماعی». خردنامه همشهری، شماره ۳، صص: ۱-۶.
- شارع‌پور، محمود، (۱۳۸۰). «فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن». نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره ۳، صص: ۱۱۲-۱۰۱.
- عبداللهی، محمد؛ و موسوی، محمدطاهر، (۱۳۸۵). «سرمایه اجتماعی در ایران وضعیت موجود، دورنمای آینده و امکان‌شناسی گذار». رفاه اجتماعی. شماره ۶ (۲۵)، صص: ۲۳۴-۱۹۵.
- عبداللهی، محمد، (۱۳۸۰). «توسعه اجتماعی از دیدگاه جامعه‌شناسی امروزی». مجموعه مقالات همایش توسعه اجتماعی، تهران: انتشارات علمی فرهنگی
- فیلد، جان، (۱۳۸۸). سرمایه اجتماعی. مترجم: غلامرضا غفاری و حسین غفاری، تهران: کویر.
- قادرزاده، امید؛ و معیدفر، سعید، (۱۳۸۹). «گونه‌ها و سطوح سرمایه اجتماعی در اجتماعات قومی (مطالعه موردی مناطق کردنشین)». مجله انسان‌شناسی، شماره ۸ (۱۲)، صص: ۱۲۳-۱۰۵.
- قادرزاده، امید، محمدپور، احمد و قادری، امید. (۱۳۹۱). «برساخت اجتماعی پدیده تجارت مرزی: ارائه یک نظریه زمینه‌ای در شهرستان مریوان». فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۹، صص: ۳۵-۸.
- قادرزاده، امید؛ و رادمان، مهدی، (۱۳۹۷). «بی‌تفاوتی اجتماعی جوانان و گسست اجتماعی - فرهنگی (مطالعه پیمایشی جوانان شهر بوکان)». مطالعات راهبردی ورزش و جوانان، شماره ۳۹ (۱)، صص: ۷۶-۵۹.
- قادرزاده، امید؛ و کریمی، ایوب، (۱۳۹۹). «فعالیت در سازمان‌های مردم‌نهاد؛ برساخت شبکه ارتباطی جدید به مثابه جایگزین محدودیت‌های ساختاری: ارائه نظریه زمینه‌ای». دوفصلنامه مسائل اجتماعی ایران. شماره ۱۱(۱)، صص: ۲۳۲-۲۰۳.
- محمدزاده، حسین؛ و خانی، سعید، (۱۳۹۷). «زمینه‌های تاریخی و اجتماعی مؤثر بر شکاف قومی در ایران». مطالعات اجتماعی ایران، شماره ۱۲ (۳)، صص: ۱۴۷-۱۲۵.

- مرکز بررسی‌های استراتژیک، (۱۳۹۵). مسأله‌شناسی راهبردی استان کردستان. تهران: ریاست جمهوری
- مرکز ملی رصد اجتماعی شورای اجتماعی کشور، (۱۳۹۴). سنجش سرمایه اجتماعی گزارش کشوری. تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
- مشفق، محمود، (۱۳۹۴). «مقایسه ویژگی‌های جمعیتی مناطق مرزی و غیرمرزی و تبعات امنیتی آن». پژوهش نامه مطالعات مرزی. شماره ۳ (۲)، صص: ۱۵۴-۱۲۱.
- نیسی، عبدالکازم، (۱۳۸۹). «شاخص توسعه انسانی در استان‌های ایران». علوم بهداشتی، شماره ۲ (۲)، صص: ۶۲-۵۲.
- ولکاک، مایکل.؛ افه، کلاوس، و همکاران، (۱۳۸۹). سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه. مترجم: حسن پویان و افشین خاکباز، تهران: شیرازه

- Brehm, J. & Rahn, W., (1997). "Individual-Level Evidence for the Causes and Consequences of Social Capital". *American Journal of Political Science*, No. 41 (3), Pp: 999-1023.

- Edwards, B. & Michael W. F., (1998). "Civil Society and Social Capital Beyond Putnam". *American Behavioral Scientist*, No. 42 (1), Pp: 124-39.

- Knack, S. & Keefer, Ph., (1997). "Does Social Capital Have an Economic Payoff? A Cross-Country Investigation". *Quarterly Journal of Economics*, No. 52, (4), Pp: 1251-87.

- Krishna, A., (2002). *Active social capital: Tracing the Roots of Development and Democracy*. Columbia University Press books.

- Laitin, D. D., (1995). "The Civic Culture at 30". *American Political Science Review*, No. 89 (1), Pp: 168-73.

- Levi, M., (1996). "Social and Unsocial Capital". *Politics and Society*, No. 24, Pp: 45-55.

- Putnam, R. D., (1995). "Bowling Alone: America's Declining Social Capital". *Journal of Democracy*, No. 6 (1), Pp: 65-78.

- Putnam, R. D.; Leonardi, R. & Raffaella Y. N., (1993). *Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy*. Princeton: Princeton University Press.

- Rothstein, B., (2001). "Social Capital in the Social Democratic Welfare State". *Politics and Society*, No. 29 (2), Pp: 207-241.

- Schneider, M., Teske, P.; Marschall, M., Mintrom, M. & Roch, Ch., (1997). "Institutional Arrangements and the Creation of Social Capital: The Effects of Public School Choice". *American Political Science Review*, No. 91(1), Pp: 82–93
- Stone, W., (2002). "Measuring Social Capital: Towards a Theoretically Informed Measurement Framework for Researching Social Capital in Family and Community Life". *Research Paper*, No. 24, Australian Institute of Family Studies, Melbourne, Available at <http://www.aifs.gov.au/institute/pubs/stone.html>.
- Tarrow, S., (1977). *Between Center and Periphery: Grassroots Politicians in Italy and France*. New Haven: Yale University Press.
- Wade, R., (1994). *Village Republics: Economic Conditions for Collective Action in South India*. San Francisco: Institute for Contemporary Studies.
- Walzer, M., (1995). "The Concept of Civil Society". No. 7–28. In Walzer (ed.), *Toward a Global Civil Society*. Oxford, U. K.: Berghahn Books.